

تظاهرات ضد حکومتی بار دیگر مناطقی از تهران را دربرگرفت

*در جوادیه، کیان شهر و دو منطقه در
شمال تهران تظاهراتی بوقوع پیوست

تعداد بسیاری از اهالی این شهرک
به اتهام معاملات غیرقانونی و
احمال خلاف قانون دستگیر
شده‌اند.

همچنین در روز یکشنبه ۲۶
فروردین در خیابان ولیعصر،
بویژه اطراف پارک ملت
تظاهراتی علیه حکومت برپا شد
که مورد هجوم نیروهای کمیته
قرار گرفت. بنابر گزارش
خبرگزاری فرانسه به دنبال حمله
مامورین کمیته ۶۵ نفر دستگیر
شدند. روزنامه‌های رژیم این
واقع را نیز بازتاب داده و آن را
سواستفاده تعدادی جوان شرور
از حضور جمعیت در پارک‌های
اطراف خیابان ولیعصر قلمداد
کردند.

بنا بر گزارش‌های موجود در
برخی مناطق دیگر تهران نیز
تظاهرات و ناآرامی‌های
پراکنده‌ای بوقوع پیوسته است.

کشته شده بود، توصیف کردند.
خبرگزاری فرانسه نیز در
گزارشی از این تظاهرات انتشار
داده است. براساس این گزارش،
تظاهرات مورد حمله مامورین
انتظامی رژیم قرار گرفته است
این مداخله به زدوخورد بین
تظاهرکنندگان و مامورین
انجامیده و جمع کثیری زخمی و
دستگیر شده‌اند. این زدوخوردها
بیش از دو ساعت ادامه داشته
است.

حمله مامورین رژیم برای خانه
خراب کردن سر پناه جمعی از
مردم کیان شهر به بهانه ساختمان
غیرقانونی، حامل درگیری و
تظاهرات ضدحکومت دیگری در
این شهرک بوده است.
روزنامه‌های جمهوری اسلامی
تعداد آلودگی‌هایی که می‌بایست
تخریب شود را ۱۰۰ ذکر کرده
است. به گزارش خبرگزاری فرانسه

جوادیه به اشکال مختلف، مراسمی
در بزرگداشت هارف والی‌زاده که
روز ۲۰ فروردین هدف گلوله
مامورین قرار گرفته و کشته شده
بود، برگزار می‌کردند. در
اجتماعی که در شب هفت کشته
شدن او و به بهانه مراسم ۱۹ ماه
رمضان ترتیب داده شده بود،
شرکت کنندگان به تظاهرات علیه
حکومت پرداختند. این تظاهرات
بقدری گسترده بود که حتی
روزنامه‌های رژیم نیز مجبور به
بازتاب آن شدند و نوشتند که در
جوادیه هنگام تشییع جنازه بدون
اجازه ناآرامی‌هایی به وقوع
پیوست.

روزنامه‌های مزبور نام وی را
هارف ترک ذکر کرده و او را فرد
شروری که بر اثر تیراندازی پلیس

بار دیگر شهر تهران شاهد بروز
تظاهرات ضد حکومتی مردم و
درگیری آنها با نیروهای انتظامی
رژیم بود. محله جوادیه تهران
یکی از کانون‌های اصلی دور اخیر
حرکات اعتراضی مردم بود. این
اعتراضات به دنبال کشته شدن یکی
از جوانان شناخته شده محله به نام
هارف والی‌زاده توسط مامورین
رژیم اوج گرفت. مردم محله

تلاش عراق برای ساختن بزرگترین توپ جنگی جهان

می‌شد، بزرگترین توپ جنگی جهان به هراق تعلق
می‌گرفت.
این توپ بزرگ سی‌الی چهار متری می‌توانست
کلاهک‌های اتمی یا شیمیایی را به فواصل دور دست
پرتاب کند. سابقه چنین پروژه‌ای، به دهه ۶۰ در
آمریکا برمی‌گردد. ایالات متحده در آن زمان
می‌خواست بایک توپ بزرگ، مأموره‌هایی به مدار
زمین بفرستد.
در صورت موفقیت هراق در ساختن چنین
سلاحی، هم تهران و هم تل‌آویو در تیررس آن
قرار می‌گرفتند.

بتهیه در صفحه ۳

وزیر تجارت و صنایع بریتانیا در پارلمان این
کشور اعلام کرد برخلاف ادعای شرکت صادر کننده،
محموله‌ای که ماموران گمرک انگلیس جلوی ارسال
آن را به هراق گرفتند، نه یک لوله برای یک کارخانه
پتروشیمی، بلکه لوله یک توپ عظیم دوربرد بوده
است. این مقام بریتانیایی تأیید کرد که میان این
محموله و جرالد بول، مهندس آمریکایی، که ماه
گذشته در بروکسل به قتل رسید، رابطه‌ای وجود
داشته است. گفته می‌شود قتل بول توسط ماموران
اسرائیل صورت گرفت. بول طرح یک توپ عظیم را
کشفیده بود که قطر دهانه لوله آن به یک متر می‌رسید.
وی برای دولت هراق کار می‌کرد و اگر طرح‌های

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت تظاهرات ضد حکومتی در تهران

در صفحه ۲

یادرفیق بیژن جزنی و هم‌زمانش گرامی باد!

در صفحه ۲

نظام اقتصادی کشور، شوند
"مجارب و مفسد فی الارض"
شناخته شده و مطابق قوانین
اسلامی مجازات خواهند شد.
موارد اخلاق در نظام اقتصادی
کشور در طرح مذکور چنین
تعریف شده‌اند:

- اخلاق در نظام پولی و ارزی،
و قاچاق ثروت‌های همده کشور
به خارج

- اخلاق در توزیع مایحتاج
عمومی از قبیل احتکار و
گرانفروشی و یا پیش‌خرید
تولیدات کشاورزی و سایر
نیازمندی‌های عامه مردم بمنظور
ایجاد انحصار در هر شأن‌ها

- اخلاق در نظام تولیدی کشور
- هرگونه فعالیت اقتصادی
مخرب که موجب ناامنی اقتصادی
و بی‌اعتمادی مردم به نظام
اسلامی و یا اخلاق در برنامه‌های
دولتی و یا سلطه اجانب بر بازار و
مقدرات اقتصادی مسلمین گردد.
طرح همچنین مجازات‌های
سنگینی را برای مواردی که "در
حد محاربه و انفساد" نباشد، تعیین
کرده است.

چنان که گذشت، این طرح
ابتکار جناح افراطی حکومت است.
این جناح پیش از این مقدمات ارائه
آن را به مجلس فراهم آورده بود.
در متن مجموعه مخالفت‌های این
جناح با مواضع جناح موسوم به
رسالت و نیز با سیاست‌های
اقتصادی رفسنجانی که متوجه
"احیاء" اقتصاد ورشکسته ایران
خاصه از طریق جلب کمک‌های
فرب و گسترش فضای فعالیت برای
سرمایه است، در زمینه مبارزه با
تروریسم اقتصادی ابتدا تبلیغات
وسیع، پرخاش و مدیدی توسط
جناح مذکور علیه شرکت‌های
مطابق برای برافه انداخته شد. در
واکنش نسبت به این تبلیغات بود که
یزدی، رئیس قوه قضائیه اعلام
کرد قانونی که با استناد به آن بتوان
بتهیه در صفحه ۲

ارائه طرح "مفسد فی الارض" شناختن "تروریست‌های اقتصادی" به مجلس

اقتصادی" را تصویب کرد. این
طرح توسط نمایندگان جناح
افراطی حکومت، موسوم به جناح
محتشمی، که در مجلس اکثریت را
دارد تنظیم شده و در همان جلسه
به مجلس ارائه شده بود. به موجب
این طرح اشخاصی که "مخل

تصویب فوریت طرح مبارزه با
تروریست‌های اقتصادی در مجلس
روز یکشنبه ۱۹ فروردین
امسال، مجلس شورای اسلامی در
نخستین جلسه علنی خود در سال
جدید، یک فوریتی بودن طرح
"مبارزه با تروریست‌های

گسترش درگیری‌های نظامی بین جنبش امل و حزب الله لبنان

اسلامی ایران را مسئول این ترور
معرفی کرده است. به گفته
سخنگوی جنبش امل، تروریست‌ها
بقیه در صفحه ۲

بیروت صورت گرفت،
درگیری‌های متعددی بین جنبش
امل و حزب الله لبنان به وقوع
پیوست. جنبش امل رژیم جمهوری

گسترش درگیری‌های نظامی
بین جنبش امل و حزب الله لبنان به
دنبال ترور ابو محسن از رهبران
جنبش امل که دو هفته پیش در

آشفته بازار

خریده‌ها را هم قلنبه می‌کنند که
بگذریم، ثروت عظیمی که نیروی
کار است، جلب نظر می‌کند. قلب
تهران می‌تپد. تند هم می‌تپد.
همه هجله دارند، همه به سرعت
روانند. مردم ایران، سخت
کوشند. وقت ایستادن نیست. نرخ
را گرفته است و باید تا بالا نرفته،
وجه را بیاورد. تنه می‌زند و
می‌دود. وقت، تنگ است. آتجا
مرغ توزیع می‌کنند. دیر برسد
تمام می‌شود. باید بشتابد. از
۲/۳۰ تا ۳/۵ و ۲ دقیقه اگر جلوی
روزنامه فروشی باشد، شاید کیهان
به دستش برسد. وگرنه باید رسالت
بگیرد که مفت نمی‌ارزد. اتوبوس
دارد گاز می‌دهد. اگر به این یکی
نرسد، نیم ساعت دیگر معطلی
دارد. ده دقیقه دیگر اداره
می‌بندد. وقت نهار است. نه، ماه
رمضان که نهار نیست، وقت نماز
است. اگر این مهر لعنتی پای این
نامه بخورد، شاید کارت. راه
بیافتد. وگرنه بمان تا بعداز
تعطیلی. مسابقه دو، که می‌گوید
ایرانی‌ها امل کار نیستند؟ کار،
فراوان است. کسی بیکار ننشسته
بقیه در صفحه ۳

"مارک
خریداریم...". "پهلوی، آزادی،
مارک، دلار، پوند، خرید و
فروش". "گوپن باطله
می‌خریم...". اینجا سبزه میدان
است. روبروی بانک ملی، جلوی
دهنه اصلی بازار. داخل بازار،
ثروتی خوابیده است. زرق و برق
طلا و جواهر فروشی‌ها، چشم را
خیره می‌کند. طلا و جواهر، روی
بورس است. می‌خرند و می‌خرند.
این همه پول از کجا آمده است؟
این همه پول، این همه طلا؟ درون
بازار، جلوتر که می‌روی، فرش
فروشی‌ها را می‌بینی. با همه
لطافتی که صنعت و تجارت فرش
خورده است، انبوه ثروتی که اینجا
هم هست، شگفت‌آور است. زیر
حجره‌ها و سراه‌ها یک سره انبار
است. فرش روی فرش انداخته‌اند.
صدتا، دویست تا، هزار تا. سر به
میلیاردها می‌زند. آن هم نه ریال و
تومان. میلیاردها دلار، دلار، واحد
پول غیررسمی ایران است.
این کشور، هنوز ثروتمند
است. از انبارهای پر از اجناس و
انبوه طلا و جواهر و دسته‌های
اسکناسی که حتی جیب دلال‌های



هکس فغان و ضجه دوستان و بستگان ۱۵ معلم و دانش‌آموز را که بر اثر اصابت گلوله توپ در بخش
شرقی بیروت کشته شده‌اند، نشان می‌دهد.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت تظاهرات ضد حکومتی در تهران

مواطنان آزاد!

اعتراضات و تظاهرات چندروز گذشته از این رو رخ می دهد که سران حکومت در فکر مردم و کشور مانیتند، آنها قبل از هر چیزی در فکر حفظ حکومت خود هستند و به خاطر آن به هر جنایتی دست می زنند، آنها تا کنون هزاران ایرانی آزاده را در زندان ها به قتل رسانده اند، آنها با ادامه دادن به جنگ به خاطر اهداف ارتجاعی خود، بیش از ۷۰۰ هزار نفر از ایرانیان را کشته، معلول و یا مقعدالاندر و بیش از یک میلیون نفر را آواره کرده اند، بر اثر جنگ ۸ استان کشور ویران شده است، در اثر ادامه حکومت فقها تا امروز چند میلیون نفر از موطنان ما گرفتار بلای خانمانسوز اعتیاد شده اند، میلیون ها نفر دیگر از داشتن کار و مسکن محروم مانده اند، میلیون ها نفر وطن خود را اجبار ترک کرده اند، اقتصاد کشور فلج و خفقان بر سراسر ایران حاکم شده است، مسئولیت تمام این جنایات و ویرانگری ها بر عهده سران حکومت است، آنها فاند هرگونه صلاحیت برای اداره کشورند، آنها با اعمال خود نشان داده اند که بایران بیگانه و بامردم آن دشمن هستند.

سران رژیم بداندند که با سرکوب صدای خلق جان به لب رسیده، جز مرگ و نیستی و نگرین تاریخ، هیچ آینده ای برای خود رقم نخواستند، زدن اینان که امروز گوششان از شنیدن صدای اعتراض مردم عاجز مانده، فردا، زمانی که این اعتراض به انقلابی دیگر فراروئید، دیر خواهد بود که بگویند صدای انقلاب شمارا شنیدیم

مواطنان!

در برابر اینان که جز با زبان سرکوب و کشتار با مردم خود حرفی ندارند، باید که متحد شویم؛ باید که دست در دست هم اعتراض را به تعرض کسانیم تا بر گور تنگ و نفرت ولایت فقیه، بهار آزادی را بار دیگر در آغوش گیریم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲۸ فروردین ۱۳۶۹

شرایط دریافت
"ارز خدماتی"
توسط دانشجویان
خارج کشور

اداره کل امور دانشجویان خارج از کشور وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی اطلاعیه ای شرایط و مدارک لازم برای دریافت ارز خدماتی توسط دانشجویان گروه های تحصیلی غیر پزشکی را اعلام کرد در این اطلاعیه آمده است:

۱- مدارک لازم برای نظام سالیانه:

۱- اصل برگ اشتغال به تحصیل مربوط به سال تحصیلی ۹۰-۸۹ با تأیید نمایندگی

۲- اصل ریز نمرات دروس یا واحدهای گذرانده یا گواهی قبولی در سال ۸۹-۸۸ با تأیید نمایندگی

۳- تصویر صفحات گذرنامه با تأیید نمایندگی

۴- تصویر مدرک نظام وظیفه در صورتیکه دانشجو دارای معافیت تحصیلی باشد، مورد توسط ولی دانشجو کتاب اعلام شود.

در اطلاعیه مزبور مواردیک و دو مربوط به نظام های ترمی، (سیمستری و کوارتری) چنین آمده است:

۱- اصل برگ اشتغال به تحصیل ترم پائیز ۸۹ و در کشورهای آلمانی زبان زمستان ۹۰-۸۹ با تأیید نمایندگی

۲- اصل ریز نمرات ترم های پائیز ۸۸ و بهار ۸۹ برای نظام های سیمستری و پائیز ۸۸ و زمستان ۸۹ و بهار ۸۹ برای سیستم های کوارتری و در کشورهای آلمانی زبان ریز نمرات یا شاین های گذرانده زمستان ۸۹ - ۸۸ و تابستان ۸۹ با تأیید نمایندگی

در پایان اطلاعیه قید شده است که ارز خدماتی به دانشجویانیکه در حال حاضر کارنامه ارز تحصیلی دریافت می کنند، تعلق نمی گیرد و دانشجویانیکه هر کدام از مدارک فوق را برای ارز خدماتی سال ۶۸ ارسال داشته اند، نیازی به ارسال مجدد آن برای سال جاری ندارند.

خون دیگری است که آنان برای جامعه مادر سردارند.

نه ادعای جناح افراطی برای "تأمین ثبات اقتصادی" و "مبارزه با فقر" ادعای درستی است و با تصویب چنین طرحی متحقق خواهد شد و نه مخالفت جناح های دیگر با این طرح مبتنی بر شناسایی و خواست رسیدن به ثبات اقتصادی مبتنی بر کاهش دردها و محرومیت های مردم است. مامصل توازن قوای جناح های حکومتی اگر به "موقعیت پات" بر سر تصویب این قانون نیانجامد، قانونی را به بار خواهد آورد که بدون کاهش دامنه چپاول در اقتصاد کشور ما، تنه به بی ثباتی آن دامن می زند.

گسترش درگیری های
نظامی بین جنبش امل
و حزب الله لبنان

بته از صحنه اول

بعد از سوئد به محل ساختمان انجمن فرهنگی ایران که در ۵۰۰ متری محل سوئد واقع شده است، گریخته اند، همین سخنگو گفته است که ترور کنندگان از سفارتخانه جمهوری اسلامی خارج شده اند.

جمهوری اسلامی این اتمام را تکذیب کرده و ترور هلی ابوحسن را به اسرائیل نسبت داده است.

طی درگیری های انجام یافته، تاکنون ده ها نفر در بخش شرقی بیروت کشته شده اند. روز سه شنبه ۱۷ آوریل نیروهای سوری برای پایان دادن به این درگیری ها به بخش شیعه نشین بیروت حمله کردند. همزمان با این درگیری ها بخش مسیحی نشین شهر بیروت نیز صحنه درگیری های خونینی بین جناح های رقیب مسیحی است در این نبردها از توپخانه سنگین نیز استفاده می شود.

روز یکشنبه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۹ بار دیگر موطنان مبارز تهرانی در اعتراض به جنایات سران رژیم و ناتوانی آنها در بهبود بخشیدن به وضع زندگی به خیابان ها ریخته و تظاهرات برپا کردند. سران رژیم این بار هم به سپاه و کمیته هادستور دادند که علیه تظاهر کنندگان به زور متوسل شوند. خبرهای رسیده حاکی است که نیروهای ارتجاعی سپاه و کمیته در مقابل با تظاهرات مردم به تیراندازی متوسل شده و تعداد بسیاری را بازداشت کرده اند. از جمله خبر رسیده است که تنهادر جریان سرکوب تظاهرات مردم در پارک ملت در شمال تهران بیش از ۶۵ نفر بازداشت شده و به سپاه چالهای رژیم افکنده شده اند. علاوه بر آن خبر می رسد که در جریان مراسم ماه رمضان تظاهرات متعددی در اعتراض به هیئت حاکمه صورت گرفته است و در مناطق مختلف جنوب و حاشیه تهران و از جمله در جوادیه و کیانشهر مردم به اعتراض برخاسته و با مامورین رژیم به زور و خوردها درخاسته اند.

این تظاهرات زمانی صورت می گیرد که چند روز پیش تر از آن بین نیروهای سرکوب رژیم و مخالفین حکومت در بلوچستان نبرد مسلحانه شدیدی بوقوع پیوست. طی این درگیری، بنا به اعتراضات مقامات رژیم، حداقل ۱۸ نفر قربانی وحشیگری های سپاه و کمیته شده اند. گرچه رژیم هیچگاه ارقام واقعی جنایات خود را منتشر نمی کند، اما همین رقم اعلام شده قربانیان حادثه خونین بلوچستان مویان است که این درگیری سنگین ترین رویارویی مسلحانه حکومت در ماههای اخیر در این منطقه بوده است.

ناراضی و نفرت عمیق مردم از سران حکومت هلت اصلی روحیه مبارزه جویی آنان است. این حوادث یک بار دیگر اثبات کرد که برخلاف تصمیحات پوچ دولت رنسنجانی وضعیت زندگی مردم وخیم تر شده و کاسه صبر آنان از جنایت آفرینی، فساد، زورگوئی و هده های دروغین مسئولان و از وضعیت طغیان قابل تحمل معیشتی خود لبریز شده است. مردم در رویارویی آشکار با رژیم و نیروهای سرکوب آن استوارتر شده اند.

ارائه طرح "مفسد فی الارض" شناختن
"تروریست های اقتصادی" به مجلس

در روز سه شنبه ۲۸ فروردین، محسن نوربخش و هادلی (رئیس بانک مرکزی) با گروهی ملاقاتی داشته اند و گفته اند که چنین قانونی موجب تسویه حساب های خصوصی شده و مشکلات را اضافه می کند. با این وجود می توان پیش بینی کرد که طرح بدون دشواری زیادی از تصویب مجلس بگذرد. اما توازن قوای جناح های حکومتی در ارگان ها و قوای مختلف کشور در مجلس خلاصه نمی شود. بن بست سیاست های اقتصادی رنسنجانی تنها از مخالفت های جناح افراطی ناشی نمی شود، اما این مخالفت ها در ایجاد این بن بست تاثیر بسزا داشته اند. طبعاً برآمد متقابل مخالفان جناح افراطی نیز تاثیر مشابهی در چندو چون طرح خواهد داشت.

جناح افراطی ظاهراً با اتکا به نتیجه بخشی سرکوب در محار حرکت های سیاسی و اجتماعی و با این گمان که می توان با اعدام و حبس، ثبات اقتصادی ایجاد کرد، در صدد تمهیل الگوهای اقتصادی فوق العاده عقب مانده مبتنی بر سرنیزه به جامعه ماست. الگویی که مبتنی بر جهل به روندهای اقتصادی جامعه تا پایه ای است که یکی از نمایندگان این جناح هنگام دفاع از طرح خواهان آن می شود که: "دولت آقای هاشمی در جهت حفظ ارزش ها صادقانه و خالصانه وارد عمل شود و بطور کلی هر آنچه را که در این یازده سال گران کرده به قیمت سال ۵۶ برگرداند و هلی وار با قاطعیت تمام و بدون چشم پوشی این سبدها و جوان و محترمان را، ابد کند." تمامیت طرح هم که در درجه اول بر اعدام "اخلال گران در نظام اقتصادی" استوار است و در ثانی اخلاص را تا حد تعریف نشده گرانروشی و احتکار و خروج ارز تنزل می دهد گویای رویای حمام

بته از صحنه اول تروریست های اقتصادی را تحت تعقیب قرار داد وجود ندارد و اساساً تروریست اقتصادی در قانون تعریف نشده است. بالاخره گروهی، رئیس مجلس، در مراسم روز جمهوری اسلامی (۱۲ فروردین) اهدام تروریست های اقتصادی را پیشنهاد کرد و در اولین جلسه مجلس پس از مراسم مذکور، طرحی در این باره ارائه شد. سخنان پیش از دستور نمایندگانی که در همان جلسه مجلس در لزوم چنین طرحی سخن گفتند بروشنی درگیری های درون جناح های حکومتی و روندی را که در انتهایش فعلاً این طرح ارائه شده است، منعکس می کرد. فخرالدین حجازی اولین سخنران پیش از دستور جلسه، به اظهاریه یزدی دایر بر بی مفهوم بودن "تروریست های اقتصادی" در قانون پاسخ گفت و تاکید کرد که "قوانینی وجود دارند که با استناد به آن ها بتوان عناصر سرمایه دار و تروریست های اقتصادی را تحت تعقیب قرار داد." نماینده امر نیز ابتدا شورای نگهبان را چنین زیر حمله کشید: "شورای محترم نگهبان در محدوده فلات اربعه گیر کرده و در دادن جواب برای مشکل سبب زمینی و برنج و ارز و لوازم یدکی و سایر مایحتاج طبقه محروم این جامعه... این دست و آن دست می کند. به این آقایان می خواهم عرض کنم آیا در مسائل سیاسی هم این قدر وسواس دارید؟"

ایک با ارائه طرح به مجلس و تصویب یک فوریتی آن، جنگ جناح ها بر سر "مبارزه با تروریسم اقتصادی" مرحله کشمکش های مطبوعاتی و نماز جمعه ای را پشت سر گذاشته و به مرحله ای "قانونی" پناهاده است. بنا به اطلاع خبرگزاری فرانسه

یادرفیق بیژن جزنی و همزمانش
گرامی باد!

جنبش بوده است. اما او بر جنبش انقلابی میهنان تاثیر فراتر از این چارچوب نیز باقی گذاشته است. زندگی و مرگ حماسی او و اثرات آن ها تنها در چارچوب جنبش فدایی و بر فعالیت عملی انقلابی محصور نمی شود و این مرد او را در طراز رفیع تری، در میان چهره های درخشان تاریخ مردمان قرار می دهد. مایادین رهبر بزرگمان را پاس می داریم و از شجاعت و تمرک نظری و عملی او درس می گیریم.

بازنگری در تمامی وجوه کردارها و باورهای پیشین خویش، که کمونیست ها امروزه در کار آند، قطعاً ارزشگذاری دوباره رهبران را نیز شامل می شود و باید هم که شامل شود. طبعاً رفیق جزنی نیز از خطا مصون نبود. بر سکوی امروز، دیدن خطاهای او ابداد دشوار نیست. اما در نگاهی دوباره به سیمای جامع او، ما باز همان ارزش های سترگی را می یابیم که با نام یک انسان ایجادگر، متعالی و فرهیخته، با نام یک کمونیست راستین، هجین اند. یادش گرامی باد.

امضای یادداشت تفاهم
۱۳ میلیارد دلار با ایتالیا

روز ۱۷ فروردین اعلام شده که در جریان سفر هیات اقتصادی ایران به ایتالیا یک توافقنامه اقتصادی به امضا رسیده است این توافقنامه در دومین نشست کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور حاصل شد، حجمی معادل ۱۳ میلیارد دلار را شامل می شود. چارچوب زمانی آن تا پایان برنامه پنج ساله در نظر گرفته شده است. این مبلغ ده درصد بودجه پیش بینی شده برنامه پنج ساله را تشکیل می دهد. بدین ترتیب ایتالیا پس از ژاپن مهم ترین طرف اقتصادی جمهوری اسلامی خواهد بود. هرصه های این توافقنامه، صنایع ذوب فلزات، استخراج معادن، خودروسازی، ماشین آلات صنعتی و کشاورزی و انرژی قید شده است.

امضاء توافقنامه مزبور و مبلغ بسیار بالای آن نشانگر این است که بر سر دو اختلاف دیرینه جمهوری اسلامی و شرکت ها و دولت ایتالیا توافق صورت گرفته است یکی از مسائل مورد اختلاف مربوط به ادعای خسارت شرکت ایتالیایی ایتالسات بخاطر کارهای انجام یافته توسط این شرکت در بندر هباس پیش از انقلاب است. هیات

سیام فروردین امسال پانزدهمین سالگرد شهادت رفیق بیژن جزنی به همراه ۸ تن دیگر از زندانیان سیاسی - ع تن از فدائیان و دو تن از مجامدین - است. در سمرگاه ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ فدائیان خلق رفقا بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، سعید کلانتری، عزیز سمدی، هباس سورکی، محمد چوپانزاده و احمد جلیل افشار از رهبران و بنیان گذاران سازمان و مجامدین خلق مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار، در تپه های مشرف به زندان اوین، قربانی جنایت هولناک مامورین ساواک رژیم ستشامی شدند. جزنی و همزمانش در آن زمان سال های آخر محکومیت ده ساله خود را می گذراندند. نزدیک به ده سال تجربه زندان، از آنان، بویژه از جزنی که به سنین نوجوانی پایه مبارزه گذاشته و از همان آغاز قابلیت های فوق العاده ای از خود نشان داده، بود رهبرانی فهمیم، سخت پیمان و منصف ساخته بود که می توانستند در بیرون از زندان و در شرایط اعتلایی نقشی ماندگار نه فقط در حرکت فدائیان خلق بلکه در جنبش ترقیخواهانه مردم ایران به عهده گیرند. جزنی نشان داده بود که برای پی ریزی و هدایت نظری و حتی عملی یک سازمان رزمنده - فراتر از آن: یک جنبش - زندان مانعی غیر قابل عبور نیست. ساواک شاه کردار و موقعیت جزنی و دیگر همزمانش را که به روشنی بر همزمان برای تداوم مبارزه و قابلیتشان برای این مهم گواهی می داد تاب نیاورد و آنان را در تپه های اوین بقتل رساند و بدروغ ادعا کرد که آنان بهنگام فرار از زندان کشته شده اند.

رفیق جزنی از بنیانگذاران و رهبران طراز نخست جنبش فدایی و دارای نقشی بی بدیل در این

نشان داده بود که برای پی ریزی و هدایت نظری و حتی عملی یک سازمان رزمنده - فراتر از آن: یک جنبش - زندان مانعی غیر قابل عبور نیست. ساواک شاه کردار و موقعیت جزنی و دیگر همزمانش را که به روشنی بر همزمان برای تداوم مبارزه و قابلیتشان برای این مهم گواهی می داد تاب نیاورد و آنان را در تپه های اوین بقتل رساند و بدروغ ادعا کرد که آنان بهنگام فرار از زندان کشته شده اند.

رفیق جزنی از بنیانگذاران و رهبران طراز نخست جنبش فدایی و دارای نقشی بی بدیل در این

است. چرا، استثنا هم هست. توی راهروی ادارات که می‌گذری، خیلی‌ها اگر اتفاقات مشغول معاملات تلفنی نباشند، توی اتاق‌ها مگس می‌پراند. هر از چندی، چرتشان را ارباب رجوع همول و آشفته، پاره می‌کند. ارباب رجوعی که در اتاق شماره فلان، هفت - هشت شماره به دستش داده‌اند. شماره اتاق‌هایی است که باید یکی پس از دیگری به آنها مراجعه کند. یک جا امضا، یک جا مهر، یک جا شماره، یک جا...

اما کار هست. هیچ کس بیکار نمی‌ماند. فقط باید بخواهی. خدا روزی رسان است. از تو حرکت، از او برکت. بدو تا چیزی گیرت بیاید، اسکناس دلار را که می‌گیرد، می‌بوسد و پیشانی اش را با آن تماس می‌دهد. انگار که قرآن است. دشت کرده است. بایک نرخ خوب، دلار گیرش آمده و می‌داند که به این ترتیب، برای امروز، حداقل هزار تومان سود کرده است. حالا وقت صبحانه است. آخرین روزهای قبل از رمضان را باید به خوشی گذراند. از چهار راه اسلامبول که کمی به سمت شرق بروی، یک قهوه‌خانه هست. پاتوق ارز فروش‌ها و ارز بخرها. "دشادش، چند وقته کارت اینه؟" به نظر، بالای پنجاه سال دارد. اما کسی چه می‌داند، شاید بدبختی‌های روزگار به این ریختن انداخته است. "از موقعی که پول باز خرید ایران ناسیونال تمام شده، آدمم اینجا بیست هزار تایی را اخراج کردند." از کار فعلی‌اش گویی خجالت می‌کشد، سعی می‌کند. عملش را توجیه کند، با همه بدبختی، هنوز چیزی دارد که شاید نامش شرافت کارگری باشد. "آقا، ما که این کاره نیستیم. ما نمی‌خواستیم این طوری بشود. مسئول انبار فولاد بودم. به کارم حسابی وارد شده بودم. به من سیصد هزار تومان برای باز خرید دادند. خودم و زنم و شش دخترم، این پول را خوردیم تا تمام شد. بعد آدمم اینجا. اما این که کار نیست. خدا ذلیل کند کسی را که ما را به این روز انداخت. اصلا امنیت نیست. همین شب هیدی یکی از ما را بردند و پولش را زدند. خودش را کشتند و جسدش را انداختند توی بیابان. باید خیلی مواظب باشیم." می‌گوید محمدالله در آمدش بد نیست. بالاخره هفت سر هائله را اداره می‌کند. جل‌الخالی!

"همه چیز هست، اما کمی گران است." از جملات متعشع خمینی در تهران آخرین روزهای ۱۳۶۸ و اولین روزهای ۱۳۶۹ به نظر می‌رسد این جمله، بایک اصلاح کوچک، درست از کار در آمده است. "همه چیز هست، اما خیلی گران است." این روزها چشم‌مان به جمال موز چیکیتا هم روشن شد. دیگر این موزهای کوچولوی سیاه و کج و معوج، در مقابل چیکیتا جلوه‌ای ندارد. چه قامت رعنایی! چه رنگ زرد درخشانی! چه کارتون‌های تمیزی! چی - کی - تا... کیلویی چهار صد تومان بخر و ببر. بنرها و ب - ام - و ها و پاترول‌های تر و تمیز که برای روزهای هید از گاراژها بیرون آمده‌اند، کنار بزرگراه وانت موز را که می‌بینند، ترمز می‌کنند و می‌خرند. چقدر می‌خرند! چقدر پول دارند! اما از طرف دیگر، چشمه لایزال چیکیتا هم خشک شدنی نیست. چقدر، چه کسی واز کجا وارد کرده، معلوم نیست. مهم هم نیست. توفیق‌بخیر و ببر. جلوی قصابی‌ها، گوشت آویزان کرده‌اند. جلوی نانوايي‌ها،

کیسه‌های آرد را روی هم چیده‌اند. فراوانی. قیمت‌ها کماکان کمرشکن است، اما به نسبت یک سال پیش، خیلی بالا نرفته است. قیمت مواد غذایی، چقدر ظرف یک سال بالا رفته است؟ ۱۰ درصد، ۲۰ درصد؟ معلوم نیست. دائم در حال نوسان است. بعضی چیزها ثابت مانده و بعضی حتی ارزان تر هم شده است.

پس "دولت کار؟" رفسنجانی موفق بوده است؟ خودش دوست دارد چنین بگوید. اگر خیال کیلویی ۵۰ تومان و سیب زمینی کیلویی ۶۰ تومان و گوشت کیلویی ۲۵۰ تومان و مرغ کیلویی ۱۵۰ تومان و دستمال کاغذی جعبه‌ای ۱۰۰ تومان و پیراهن مردانه ۲ هزار تومانی را موفقیت بدانیم، آقای رفسنجانی راست می‌گوید.

چند ماه یک و نیم تا دو برابر شد. در حال حاضر تب معاملات مسکن تهران را فرا گرفته است. زمین‌ها و خانه‌های کلنگی دست به دست می‌گردند و قیمت آن مرتب افزایش می‌یابد. در هر گوشه‌ای از شهر، عملیات ساختمانی می‌بینی. هیچ کوچه‌ای نیست که در آن واحد در آن مشغول ساختن یکی دو ساختمان (حداقل) نباشد. خریدن خانه کلنگی و کوبیدن و درآوردن چند آپارتمان از آن، سود کلانی دارد. این باعث شده که هم قیمت خانه‌های کلنگی بالا رود و هم این نوع ملک دایره بیشتری را در برگیرد. دیگر ساختمان‌های ۱۰ - ۱۵ ساله را هم صرفاً بدین دلیل که می‌توان به جای آنها ساختمان‌های بلندتری ساخت و تعداد بیشتری دستگاه آپارتمان فروخت، کلنگی حساب می‌کنند.

آشفته بازار

تا ۲/۵ درصد بهره نمی‌دهد. یعنی به ازای سه میلیون تومان، ماهی ۶۰ تا ۷۵ هزار تومان اجوب، شاید بگویید تق شرکت‌های مضارب‌های درآمده و دیگر به آنها اطمینانی نیست. اما ماجرای مضارب که به این شرکت‌ها محدود نیست. این شرکت‌ها به هلت بزرگ بودن و دست داشتن در جاهای حساس و نوع معاملات ارزی - ریالی که انجام می‌دادند، قادر بودند سود سالانه هنگفتی به سپرده گذاران بدهند (در مورد "سحر والیکا" تا حدود ۴۰ - ۵۰ درصد). اما اگر هم فعلاً به آنها اطمینان چندانی نیست، آن شرایط اقتصادی که اجازه چنین مضارب‌های محیرالعقولی می‌داد، پیر جاست و هیچ نشانه‌ای از تغییر آن هم نیست. یک آدم خیلی معمولی و نسبتاً بی‌دست و پا هم می‌تواند حداقل سالی ۲۰ - ۳۰ درصد از سرمایه، سود بسازد. کافی است بدانیم که امروز چی روی بورس است، گرایش به چه سمتی است، یک کمی جرات ریسک داشته باشی و شروع کنی...

از بازسازی خبری نیست. ایام عید با سلام و صلوات اعلام کردند و هزار خانوار به آبادان برگشته‌اند که این رقم، در برابر جمعیت تقریباً یک میلیونی آبادان پیش از جنگ، چیزی نیست. مذاکرات صلح



قیمت زمین در گران‌ترین نقطه تهران به ۷۰ - ۸۰ هزار تومان برای هر متر مربع و گاه بیشتر رسیده است. بنابراین بدیهی است که در چنین مناطقی، هر خانه‌ای که با حداکثر استفاده از حد نصاب "تراکم" تعیین شده از طرف شهرداری ساخته نشده باشد، کلنگی است! نتیجه تحولات ماه‌های اخیر در بازار مسکن، این شده که آخرین قلم از اجناس همده، یعنی "خاک" که دلاری نبود هم به صف اقلام دلاری پیوندد!

تاثیر این بورس بازی بر وضعیت اجاره نشین‌ها، خرد کننده است. یک حساب سرانگشتی کافی است تا به ابعاد فاجعه پی ببریم: در معمولی‌ترین نقاط معمولی‌ترین آپارتمان‌ها را کمتر از متر مربعی ۳۰ هزار تومان نمی‌فروشند، یعنی یک آپارتمان ۱۰۰ متری، سه میلیون تومان قیمت دارد. به نرخ بهره بانک‌های دولتی، این پول حداقل ماهی بیست و پنج هزار تومان سود می‌دهد. یعنی اجاره خانه باید حداقل بیست و پنج هزار تومان باشد! تازه، هر صاحبخانه‌ای استهلاک ساختمان‌ش را هم حساب می‌کند. گذشته از این، در این دوره و زمانه دیگر چه کسی به نرخ بهره بانک‌های دولتی راضی است؟ پولت را به مطمئن‌ترین مضارب چه می‌دهی، کمتر از ماهی ۲

سیاست‌های اقتصادی، در درون رژیم اختلاف‌های جدی وجود دارد. در حالیکه رفسنجانی و تقریباً همه وزرا خود را از بحث‌ها کنار کشیده و صحنه را به دیگران وا گذاشته‌اند، هملاً وظیفه دفاع از جبهتی که در مجموع سیاست‌های دولت رفسنجانی در ماه‌های نخست آن دیده شده، بر عهده جناح رسالت قرار گرفته است. به نظر می‌رسد رفسنجانی خود را ضعیف‌تر از آن می‌بیند که بتواند بطور تهاجمی، و با دفع حملات خط‌امامی‌های دو آتشه، سیاست لیبرالیزه کردن اقتصاد را به پیش ببرد. به ویژه آنکه پیشبرد این سیاست، مستلزم این است که اجرای آن حداقل پس از گذشت چند ماه با نتایج ملموس برای مردم یا ائتشاری از آنها همراه باشد. در حال حاضر، مجموعه مختصات سیاسی و روابط رژیم با غرب، اجازه چنین گشایشی را نمی‌دهد. بنابراین برای رفسنجانی چاره‌ای جز سکوت و انفعال نمانده است. اما وضع رسالتی‌ها فرق می‌کند. آنها دیگر به دفاع از بازار و سیاست لیبرالی اقتصادی شهرت یافته‌اند و در این کشمکش، وصله جدیدی به آنها نمی‌چسبد. از طرف دیگر، رسالتی‌ها مصدر مستقیم امور اجرایی نیستند و به قول معروف، حرف زدن برایشان مایات ندارد. در مقابل اینها، دارو دسته‌ای که در یکی دو سال اخیر به جناح محتشمی شهرت یافته قرار دارد که تا می‌تواند، آشوب بپا می‌کند. کربوبی رئیس مجلس که جز این جناح محسوب می‌شود، در مراسم دوازده فروردین تهران طرح "اهدام تروریست‌های اقتصادی" را پیشنهاد کرد و نوحه‌هایش مانند "دفتر تمکیم وحدت" دنبالش را گرفتند تا به ارائه طرح اخیر در مجلس انجامید. زمینه این جنجال هم این بود که از ماه‌ها پیش، جناح محتشمی که در روزنامه کیهان نفوذ دارد، تبلیغاتی را در مورد

لزم "مجازات تروریست‌های اقتصادی" شروع کرد. یزدی از چهره‌های جناح رسالت و رئیس قوه قضاییه، در پاسخ گفت اصلاً قانون وجود ندارد و قوه قضاییه نمی‌تواند بدون زمینه حقوقی، دست به اعدام "تروریست‌های اقتصادی" بزند. ظاهراً طرح پیشنهادی اکثریت مجلس، واکنشی در برابر این سخنان یزدی است.

استدلال محتشمی و کربوبی و یارانشان این است که برای حفظ حکومت اسلام، هر کاری باید کرد و حالا که ما "تروریست‌های سیاسی" و قاچاقچی‌ها را دسته دسته اعدام می‌کنیم، حق است که "تروریست‌های اقتصادی" را هم اعدام کنیم چون وضع اقتصاد طوری شده است که روز به روز پایه حکومت را سست تر می‌کند. صرف نظر از حساب‌های پشت پرده که حتماً در این قضایا نقش دارد و متضمن منافع معینی برای خط امامی‌هاست، آنها گمان می‌کنند می‌توانند ثبات اقتصادی مطلوب رژیم را با توسل به ابزارهایی مانند اعدام و شلاق و بگیر و ببند ایجاد کنند. از طرف دیگر این جماعت تندرو می‌بینند که با لایزال‌آسیون اقتصادی، جناحی بیش از همه سود می‌برد که بیش از همه اعتماد بازار از یک سو و اعتماد غرب را از سوی دیگر داشته باشد. و این جناح، قطعاً آنها نیستند.

خط‌امامی‌ها را به این سادگی از مواضعشان نمی‌توان راند. آگاهی از همین واقعیت است که آنها را که اعتمادشان به حکومت می‌توانست گشایش اقتصادی را سبب شود، به خویشتن داری و صبر و انتظار واداشته است. و این گریباز کل سیستم، همچنان دامه دارد و هیچ دلیلی وجود ندارد که به این زودی‌ها برطرف شود.

تلاش عراق برای...

پتیه از صفحه اول

مسین می‌کوشد با تهدید به بمباران شیمیایی شهرهای اسرائیل این کشور را از اندیشه تکرار حمله به تاسیسات اتمی عراق که در سال ۱۹۸۱ انجام یافت باز دارد. دیکتاتور عراق در یک سخنرانی ابراز داشت ما مجهز به سلاح شیمیایی بسیار پیشرفته‌ای هستیم که فقط آمریکا و شوروی به آن دسترسی دارند. وی افزود: بخدا قسم که آتش ما نیمی از اسرائیل را خواهد سوزاند. صدام حسین روز ۲۸ فروردین اعلام کرد در صورت حمله اسرائیل هر افسر عراقی وظیفه دارد فرمان حمله شیمیایی به اسرائیل را به اجرا بگذارد.

در این میان حکومت اسرائیل نیز به تهدیدات قلدر منشانه خود ادامه داد.

یک واقعه تکان دهنده

روژنامه کیهان در شماره ۱۸ فروردین خود خبری تکان دهنده از ربه‌ده شدن یک کودک دو ساله توسط عقاب رادرج کرده است. در این خبر آمده است که یک کودک دو ساله در بیابان‌های اطراف اصفهان در برابر چشمان خانواده‌اش توسط یک عقاب ربوده

روژنامه کیهان در شماره ۱۸ فروردین خود خبری تکان دهنده از ربه‌ده شدن یک کودک دو ساله توسط عقاب رادرج کرده است. در این خبر آمده است که یک کودک دو ساله در بیابان‌های اطراف اصفهان در برابر چشمان خانواده‌اش توسط یک عقاب ربوده

خبرها و نظرها

جدائی غنی بلوریان و محمدامین سراجی از حزب توده ایران

در تاریخ ۱۰ فروردین ماه بیانیه‌ای با عنوان بیانیه گسست بخش همده اعضا و کادرهای کرد عضو حزب توده ایران مقیم خارج از کشور انتشار یافت. در این بیانیه دلایل جدائی توضیح داده شده و آمده است: «پروژه شناخت از روند تحولات جهانی در طول ۱۱ سال و شکست استراتژی برنامه‌ای حزب، ما را بر آن داشت که انتخاب سیاسی خود را با دیدی نقادانه بنگریم. واقعیت‌های ملموس، توأم با مبارزه ما را بدانجا رساند که مرحله نقد سیاست و عملکرد حزب توده ایران به پایان خود رسیده است و ما را ناگزیر به جدائی از حزب توده ایران ساخته است.»

در این بیانیه بر ضرورت بازنگری مقولات نظری تاکید شده، نوشته شده است: «بازنگری مقولات نظری در پرتو واقعیت هر دم تغییر یابنده جهان معاصر، از جمله مفاهیم دوران، طبقه و مبارزه

«دموکراسی و مثلث ورشکسته» آقای حاج سید جواد

در کیهان (چاپ لندن)

سکوت به ملت ایران به ضرب گلوله و اعدام و شکنجه محلی برای گشودن پرونده جنایات و خیانت‌های پهلوی و سلطنت پهلوی باقی نگذاشت..... از برکت ولایت فقیه خمینی و فساد و تجاوز فزاینده رژیم جمهوری اسلامی بود که مقایسه بین «بدبودن اساس حقایق و مشروعیت آقای رضا پهلوی و طرفداران بازگشت سلطنت پهلوی گردید».....

«در این صحنه پرفوقای تحول و دگرگونی در دهه آخر قرن بیستم، مخالفین رژیم جمهوری اسلامی از چپ و راست به قول سعدی به خیال اسب سواری دامن خود را اسب کرده‌اند و در پهنای از توهم و به خیال خود استفاده از فرصت و خلائی که جمهوری اسلامی به تدریج در قدرت به وجود خواهد آورد میتازند.

گروهی در فکر تجدید بساط سلطنت و ادعای مشروعیت و حقانیت قانونی برای رژیم واژگون شده پهلوی می‌باشند و گروهی دیگر کمین نشسته‌اند که در روز وانسا با شعار رجوی ایران - ایران رجوی از جاده اسفالت بغداد تهران خود را به مستند قدرت استبداد خودکامی برسانند که قباله رسمی و محضری معامله‌شان با ملت ستم‌دیده ایران صورت اسامی چندین هزار شهید است و گروه‌های دیگری پس از سرخوردگی از الگوهای روسی و همکاری و همدستی با رژیم خمینی برای سرکوب آزادی و آزادی‌خواهان بدون کوچکترین اشاره و انتقادی از گذشته خود طالب آزادی و دموکراسی و آماده برای مذاکره با همه مدعیان آزادی و دموکراسی شده‌اند.»

«این سازش‌کاری بر اساس خط‌بطلان کشیدن بر سابقه خیانت چپ و راست ایران به جنبش آزادی‌خواهی مردم، احترام به دموکراسی و ضرورت بنیادی تحمل عقاید مخالف نیست بلکه ایجاد مشروعیت برای خود از راه رشوه دادن به دیگری است، چپ ایران به آقای پهلوی می‌گوید تواز ادعای پادشاهی دست بردار اما سلطنت طلبان یعنی طرفداران تو حق دارند برای رسیدن تو به سلطنت فعالیت کنند و ما در پیکار دموکراسی این فعالیت را به رسمیت می‌شناسیم و در چهار چوب این فعالیت به شرط پای بندی تو به دموکراسی با طرفداران تو به گفت و گو و همکاری می‌نشینیم».....

«انقلاب ایران دارای سه خصلت انکارناپذیر تاریخی است که در محور آن خط‌مشی اساسی تفاهم و سازگاری ملی و شکل و محتوی نظام سیاسی آینده کشور حرکت می‌کند.

۱- مبارزه با بازگشت خانواده پهلوی به سلطنت و هر گونه قدرت موروثی

۲- مبارزه با استقرار ایدئولوژی و استبداد تک حزبی

۳- مبارزه برای جدائی دین از دولت و رهائی باورهای مذهبی مردم از چنگال مذهب آخوندی و آخوندسالاری

مبارزه اساسی تاریخ ملت ایران با این مثلث استبداد خودکامی است، مثلث سلطنت موروثی و مذهب آخوندی و ایدئولوژی تک حزبی استالینی.

... هر فردی و هر گروهی از مردم ایران می‌تواند در اعتقاد خود آزاد و در تبلیغ افکار خود مختار باشند این قانون دموکراسی است اما هیچ فرد یا گروه آزادخواه و دموکراتی نمی‌تواند به عنوان احترام به آزادی و افکار، دست همکاری به طرفداران این مثلث خودکامی و استبداد و اسارت ملت ایران بدهد و به هر عنوان در مشروعیت بخشیدن به هر یک از آنها در افکار مردم و در فرهنگ فقیر اجتماعی و سیاسی اکثریت ملت ایران کمک کند»

طبقاتی، سانترالیزم دمکرات دیکتاتوری پرولتاریا، حزب و دولت، انقلاب و رفم، مؤسسه طبقاتی و حزبی، پلورالیسم سیاسی و سوسیالیسم حقوق ملی و دولت مرکزی، ایدئولوژی و حزب، اگرچه به مذاق محافظه‌کاران و جزم‌گرایان خوش نیاید، اما نیاز عاجل زمان و پاسخ به ندای وجدان بیدار بشریت است»

در این بیانیه تاریخ حزب و خطاهای آن مورد تاکید قرار گرفته و آمده است: «اما این اصول کلی و متعارف مانع از آن نشد که از همان ابتدا حزب توده ایران ملتقای دو نیاز باشد، نیاز دفاع از منافع ملی ایران بطور عام و زحمتکشان بطور خاص از یک طرف و نیاز دفاع از منافع و روابط کمترین الزامات سیاست خارجی انترناسیونالیسم پرولتری از طرف دیگر»... «انقلاب بهمن آخرین شانس تاریخی آزمون مشتی تئوری هاریتی و غیر منطبق با ساخت و بافت جامعه ایران و نیز خط‌مچند و فاجعه‌بار حزب مداری استالینی بود که به بهای سنگین و فیرقابل جبران تمام شد»... «سیاست کنونی دستگاه رهبری در ایجاد حزب ۲۵ نفره از مقطع یورش تا بحال که منجر به انفصال، انشعاب و اخراج ۱۴ نفر از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و انفصال صدها عضو و کادر پراکنده در سراسر جهان شده است و حتی در کنار سیاست انضباط طلبانه آن در مورد کمیته داخل قرار گیرد، نمایانگر همت فاجعه است»

در رابطه با مساله ملی در بیانیه نوشته شده است: «اساسا مضمون آموزشهای ما چنان بود که حق تعیین سرنوشت را نه به مثابه یک حق که قاعدتا همه وقت و همه جا می‌بایست قابل دفاع باشد بلکه در بازار مکاره سیاست، اولویتها و مصلحتها چوب حراج زدیم و حقانیت این حق به الزامات ناشی از برداشت از رژیم مرکزی که آتمم خود منوط به روابطان رژیم با اردوگاه بود گره خورد همین فاصله میان حرف و عمل است که التقاتلی دردناک از مجموعه موضع گیریهای حزب توده ایران در رابطه با مساله

مصاحبه محمدرضا شالگونی

پیرامون بحران در سوسیالیسم موجود

در شماره «۷۳» نشریه راه‌کارگر متن مصاحبه صدای کارگر با رفیق محمدرضا شالگونی عضو دفتر سیاسی سازمان کارگران انقلابی ایران پیرامون بحران سوسیالیسم موجود درج گردیده است. در این مصاحبه هر چند کماکان دیدگاههای این سازمان در مورد پاره‌ای از مسائل کلیدی حفظ گردیده است ولی بسیاری از پاسخ‌ها با مواضع اعلام شده پیشین این سازمان و یا مقالات درج شده در نشریات آن تفاوت‌هایی دارد.

در این مصاحبه در پاسخ به نظراتی که از مرگ کمونیسم و دفن شدن مارکسیسم سخن می‌گویند گفته شده: «تعبیری ندارد که وقتی تغییرات و مخصوصا عقب‌نشینی‌هایی در جنبش کمونیستی صورت می‌گیرد دشمنان سوسیالیسم یا آنتاکی که اعتقادی به سوسیالیسم ندارند یا اخیرا به خصوص با آن برخاسته‌اند، باصطلاح فاتحه آنرا بخوانند و از دفن کمونیسم و از مرگ مارکسیسم لنینسم صحبت کنند.... آیا بحران سوسیالیسم بدون دموکراسی را باید بحران مارکسیسم و یا بحران لنینسم تلقی کرد؟ نه نگامی ولو گذرا به آثار بنیان‌گذاران مارکسیسم و همچنین لنین نشان می‌دهد که تصادفا در این دوره ما داریم بر می‌گردیم به اندیشه‌های اصلی این بنیان‌گذاران، یعنی تاکید بر جایگاه کلیدی دموکراسی در سوسیالیسم و تاکید بر ضرورت شرکت بی‌واسطه مردم در امور جامعه، بازگشت به عقب نیست، بازگشت به اصول است».....

«حقیقت این است که این بحران، بحران شکست سوسیالیسم بدون دموکراسی است باید قبول کنیم که بعد از این سوسیالیسم با آن الگو شانس بقا ندارد. اگر همین سوسیالیسم را تنها الگوی ممکن سوسیالیسم و تجسم قطعی مارکسیسم و لنینسم بدانیم باید قبول کنیم که دوران آن تمام شده و این بحران مرگ آنست ولی اگر سوسیالیسم را در همین الگو خلاصه نکنیم - که ما نمی‌کنیم - باید قبول کنیم که راه‌جوئی‌هایی صورت بگیرد و می‌گیرد که جنبه‌های مثبتی هم دارد. عقب‌نشینی و فلیه جنبه‌های منفی در کوتاه مدت ضرورتا به معنای عقب‌نشینی در بلند مدت نیست، ما فکر می‌کنیم که حالا در مقیاس بین‌المللی مجموعه همه جا نه تنها سوسیالیسم موجود بلکه همچنین انقلابات، جنبش‌های انقلابی و رادیکال در حال عقب‌نشینی هستند بخاطر اینکه در نتیجه عقب‌نشینی اردوگاه سوسیالیستی، توازن قوا به نفع سرمایه‌داری بهم خورده است. این کاملاً محسوس است. ولی در صورتیکه اتحاد شوروی برای حل

ملی و بویژه مساله کرد آفریده است. برخورد حزب توده ایران در فرازهای پر ارزش جنبش در سالهای ۲۵-۲۴ و ۴۶-۴۷ و بویژه پس از انقلاب بهمن تبارز تمام هیار اپورتونیزم و قربانی کردن اصول به ظاهر اعتقادی خود در پیشگاه منافع و مصالح روز بود. تجربه دهها ساله وجود حاکمیت حزب واحد سراسری در کشورهای کثیرالمله به ما می‌آموزد که چنین احزابی نتوانسته‌اند در آن واحد پاسخگوی نیازهای کل و جزء جامعه باشند» در این بیانیه ضرورت یا عدم ضرورت وجود احزاب سراسری روابط آنها با احزاب منطقه‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است اعضاکنندگان بیانیه برنامه آتی خود را چنین اعلام کرده‌اند: «ما بدون آنکه هیچ شکلی از مبارزه را در کردستان و ایران از قبل رد یا تایید کرده باشیم، به حکم تجربه همیقا معتقدیم که باید طرحی نو در انداخت و در این راه برای دست یافتن به کارآترین فرمول که پاسخگوی ضرورت و نیاز زمان باشد، لزوم یک پلیک ملی اجتناب‌ناپذیر است ما به سم خود با دعوت از همه نیروها و افراد فرد مبارز، در جهت ایجاد مکانیسم‌های مناسب این نیاز تلاش خواهیم کرد» در این بیانیه استقرار رژیم دموکراتیک مبتنی بر تامین حاکمیت برابر حقوق همه ملت‌های ساکن ایران، اتحاد عمل کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران، اتحاد عمل کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک و شخصیت‌های مبارز خلق کرد در کردستان، مبارزه در راه صلح جهانی و حفظ محیط‌زیست، در راه استقرار دموکراسی در جهان و محو دیکتاتوری و مبارزه علیه تجاوز امپریالیسم راستای فعالیت آینده اعلام گردیده است. در خاتمه رفقا فتنی بلوریان و محمد امین سراجی اعلام کرده‌اند که در آینده خواهند کوشید «روند جدائی از حزب دمکرات کردستان ایران و تشکیل حزب دمکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم) و پیوستن به حزب توده ایران را که نیاز به بررسی دقیق و جمعی دارد و دیدگاههای خود در رابطه با دگرگونیهای ژرف، حوادث دوران ساز کنونی و تاثیر آن بر پروژه مبارزاتی جنبش رهایی بخش کردستان را بیان نموده» و به اطلاع هموم برسند.



مجموعه سازمان کارگران انقلابی ایران و نشریه

بحران مزمن سوسیالیسم بوروکراتیک مسیر درستی را بگشاید و به نتایجی برسد، همین عقب‌نشینی‌های کنونی به پیش درآمد احیا جنبش کارگری و کمونیستی تبدیل خواهند شد»

در پاسخ به سؤال در رابطه با انتخابات و مراجعه به آراء همومی گفته شده است: «تردید نیست که نه سوسیالیسم بلکه حتی یک دموکراسی بورژوازی نیز تنها از طریق انتخابات نمی‌تواند بدست آید. حتی برای یک دموکراسی بورژوازی نیز باید تعادلی طبقاتی بوجود آید. شالوده‌ای مادی پی ریخته شود تا نظامی ساخته شود. این را راه انقلاب می‌تواند هموار کند. در مورد سوسیالیسم که قطعا چنین است، انقلاب را نباید در مقابل انتخابات قرار داد. این کاری است که دو گروه می‌کنند، مخالفان انقلابات و مخالفان انتخابات، واقعیت این است که تنها با انقلابات می‌توان بنیادها و دستگاه تسلط طبقات بهره‌کش و ستمگران را در هم ریخت. ما معتقدیم بدون این درهم ریختن، انتخابات جز نظر «موافق» بردگان با برده‌داران هیچ معنای دیگری ندارد..... بایستی دستگاهی تسلط نه تنها استبداد بلکه دستگاه‌های تسلط طبقات بهره‌کش و بطور مشخص سرمایه‌داری را بهم ریخت و بعد از آن مسلم است که مارکسیسم نه تنها مخالف انتخابات نیست بلکه طرفدار پروپاقرص آنست»

در پاسخ به چشم‌انداز انقلابات در کشورهای جهان سوم و گذار به سوسیالیسم در این کشورها گفته شده است: «شاهد مستقیم که لاقلاً از اوایل دهه هفتاد، انقلابات ملی و انقلابات دهقانی دیگر چندان وزنی ندارند. انقلاب هر چه بیشتر خصلت همیق اجتماعی پیدا می‌کند. در کشورهای جهان سوم انقلاباتی بوجود می‌آیند که علیه نظام سرمایه‌داری جهانی هستند. ملت این است که اکنون در تمام این کشورها، در تمام جهان نظام سرمایه‌داری واقع فلیه پیدا کرده و شرکتها و نهادهای فرامیلتی در واقع گسترش سرمایه را تضمین می‌کنند. در تمام این کشورها، سرمایه‌داری ساخت سنتی و باصطلاح ماقبل سرمایه‌داری را بهم زده و توده وسیعی را به هرصه سیاسی کشانده و در همین حال امکان رشد از طریق سرمایه‌داری را نیز تقریباً از بین برده است. تنها امروز است که بیش از هر زمان مشهود است که انقلابات خصلت سوسیالیستی پیدا می‌کنند - منظورم این نیست که قاطع بروند به سوسیالیسم، خصلت ضدسرمایه‌داری آشکار آنها مورد نظرم است -



مصاحبه با کاک حسن شرفی عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان

پیرامون

روابط سازمان‌های کرد، اوضاع ایران و چشم‌اندازهای موجود

پرسش - اخیراً در خارج از کشور شایعاتی مبنی بر تشکیل یک "دولت کردی" روی زبانها بوده است. در این مورد چه می‌گوئید؟
پاسخ - من شخصاً چنین شایعه‌ای را نشنیده‌ام. ما بعنوان حزب دموکرات کردستان ایران شعارمان دموکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان ایران است. تمام توان و تلاش ما هم در جهت تحقق همین خواستها بکار گرفته شده و می‌شود شما می‌دانید که نزدیک به چهار سال است حزب ما در راه تشکیل جبهه‌ای از نیروهای چپ و دموکرات علیه رژیم جمهوری اسلامی گام بر می‌دارد، ادامه جلسات بحثی هم که اکنون میان تعدادی از سازمانها بمنظور دست‌یابی به شیوه‌های همکاری در جریان است در همین راستا است که امیدوارم به یک ائتلاف بزرگ سیاسی بیانجامد در مورد خودمختاری برای کردستان هم لازم است بگویم ما این شعار را بخاطر خوش‌آیند کسی یا سازمانی سر ندادیم بلکه با بررسی‌های همه‌جانبه اعتقاد داریم که خواسته‌های خلق کرد در کردستان ایران در چهارچوب کشورمان قابل تأمین و با تحقق دموکراسی در ایران قابل تضمین است حال اگر شما کسی یا کسانی را سراغ دارید که خواستی غیر از دموکراسی برای ایران کردستان دارند می‌توانید از خودشان بپرسید.

* گفتید که جلسات بحثی میان تعدادی از سازمانها در جریان است. منظور کدام سازمان‌ها هستند؟
فعلات می‌توان از حزب دموکرات کردستان ایران - حزب دموکراتیک مردم ایران - سازمان فدائیان خلق ایران و نیز سازمان خودتان اسم برد.

* اوضاع حاکمیت جمهوری اسلامی را چطور ارزیابی می‌کنید و چه چشم‌اندازی برای تحولات آتی آن می‌بینید؟

- رژیم جمهوری اسلامی بر خلاف آنچه که ظاهر می‌خواهد نشان دهد و طعنه تأثیرات موقت مانور و زوابعی آفوندهی مشکلات اساسی زیاده در راه تثبیت و حتی بقای خود دارد. هم اکنون نیز با بسیاری از مشکلات سیاسی اقتصادی و اجتماعی و اداری و حتی مذهبی روبرو است که هر کدام بنوعی خود تهدیدی برای بقا و وجودیت رژیم بشمار می‌آیند. مسئله رهبری نظام جمهوری اسلامی از مهمترین مشکلات رژیم است که تا بحال راه حلی برای آن پیدا نشده حتی خمینی نیز قادر به حل آن نشد مسئله بازسازی خرابیهای جنگ هم کار آتجان ساده‌ای نیست که رژیم بتواند با نطق و خطابه بانجامش برساند. در زمینه مذاکرات صلح با عراق که از قاضی‌ترین مشکلات رژیم است پیش‌گامی حاصل نشده این مشکلات و دیگر مشکلات حل نشده همچون خورده جسم جمهوری اسلامی را می‌خورند بویژه که در ماههای آخر سال گذشته نیز نفرت و بی‌زاری مردم از رژیم در قالب تظاهرات هلنی متجلی شد بنابراین رژیم در وضع دشواری دست و پا می‌زند شکاف میان جناحهای رژیم هم مزید بر این مشکلات است. تردیدی نیست که اگر نیروهای مترقی و دموکرات از اتحاد و همکاری و همگامی لازم برخوردار بودند بطور جدی هر صه بر رژیم آفوندها تنگ تر می‌شد و اگر چنین کاری صورت گیرد و جبهه‌ای از نیروهای مترقی و دموکرات تشکیل شود یا در یک ائتلاف بزرگ سیاسی مشارکت نمایند می‌توان به آینده‌ای روشن امیدوار تر بود.

* درباره مذاکرات دوساله اخیرتان با رژیم جمهوری اسلامی براینجا توضیح بدهید. این مذاکرات پس از شهادت دکتر قاسملو چگونه بوده است؟

- همانطور که در مصاحبه رادیویی رفیق مبارزتان دکتر سعید دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران آمده و در روزنامه شماره ۱۵۷ کردستان هم درج شده بود پائیز سال ۱۳۶۷ بدنبال قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمینه قبول آتش‌بس از سوی ایران که در واقع قبول شکست در جنگ بود. پیشنهادی مبنی بر گفتگو و مذاکره

انقلابات اجتماعی
شاخص اصلی انقلابات امروزی هستند
در رابطه با مساله بازار، مالکیت و برنامه‌ریزی در سوسیالیزم گفته شده است: باید بگویم که نظر مارکس در مورد نقی بازار مبتنی بر شرایطی است او می‌گفته سوسیالیزم نخست در کشورهای اصلی سرمایه‌داری یعنی قسمت اعظم جهان پیشرفته پیروز می‌شود و معتقد بوده که در آن شرایط بازار منحل می‌گردد اما اوضاع اکنون طور دیگری است، ستاریوی تاریخی طور دیگری پیش رفته، بنابراین گفتن اینکه در این شرایط بازار باید باشد، ضرورتاً تا مخالفت با نظر مارکس نیست. اما درباره این نظر مارکس که معتقد بوده در نظام سوسیالیستی اصلاً بازار نباید

پیرامون مسئله کردستان از سوی رژیم به حزب دمکرات کردستان ایران ارائه شد. در آن شرایط دو زمینه برای قبول این پیشنهاد از سوی حزب وجود داشت. نخست خطا سیاسی سیاست حزب که هجارت است از اینکه مساله کردستان راه حل نظامی ندارد و این مساله در نهایت باید از طریق مسالمت و گفتگو و مذاکره حل و فصل شود، دوم شرایط ویژه زمان ارائه پیشنهاد بود که در آن زمان قاعدتاً می‌بایست رژیم در حال بازنگری گذشته و ارزیابی اوضاع کلی خود و یافتن راه حلهایی جهت مشکلات گوناگون خود باشد این بود که در اوایل زمستان ۱۳۶۷ نخستین دیدار بین نمایندگان طرفین در وین صورت گرفت، این نشست در واقع یک دیدار بود نه گفتگو و مذاکره بگفته نمایندگان رژیم "نظام" می‌خواست از نظرات نهائی حزب در مورد حل مساله کردستان و چهارچوب این نظرات اطلاع حاصل کند که در این دیدار نظرات حزب توضیح داده شد و گزارش کامل این دیدار و مباحثات مربوط به آن از سوی نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران به دفتر سیاسی ارائه گردید، و قاعدتاً می‌بایست نمایندگان رژیم نیز بهمین ترتیب عمل کرده و نظرات حزب را در جهت ارزیابی به مقامات مسئول اطلاع دهد. دفتر سیاسی پس از ارزیابی گزارش این دیدار به این نتیجه رسید که تنها راه برای شروع یک مذاکره واقعی این است که رژیم پیش از هر چیز اصل خودمختاری را بپذیرد و آن را بطور رسمی اعلام نماید، این کار بمعنای مشخص ساختن همان چهارچوبی خواهد بود تا بتوان پیرامون محتوای خودمختاری گفتگو و مذاکره کرد. هدف از دیدار دوم که ۷ ماه بعد از نشست نخست صورت گرفت در واقع برای ابلاغ نظرات حزب بود که به ترو دکتر قاسملو و نقایش توسط رژیم منجر شد.

* اگر از توضیحات شما اینطور استنباط کنیم که حزب دمکرات قصد داشته است ابتدا ضرورت پذیرش اصل خودمختاری را به رژیم بقبولاند و در صورت موفقیت، مذاکره درباره محتوا و چگونگی اجرای خودمختاری را آغاز کند منظور شما در دست فهمیده‌ایم؟

- بله همینطور است.

* ارزیابی شما از حرکات اعتراضی مردم ایران در ماههای اخیر چیست؟

- حرکت‌های اعتراضی مردم ایران در ماههای اخیر در واقع عکس‌العملی در برابر عملکرد رژیم و خرابی وضع اقتصادی آن است. چند سازمانها و اشخاصی سعی کردند این حرکت‌های مردمی را به خود نسبت دهند و مدعی شدند که نقشی در برپائی و سازماندهی آن داشته‌اند ولی این ادعاها چیزی از اهمیت این حرکات مردمی نمی‌کاهد.

* - یعنی شما این حرکتها را خود جوش و خود انگیزه می‌دانید و آن ادعاها را قبول ندارید؟
- همانطور که گفتم هیچ‌کسی یا هیچ‌سازمانی در شکل‌گیری و سازماندهی این حرکتها نقش اساسی نداشته ولی احتمالاً در این حرکتها شعارهای هم نفع سازمانهای مختلف داده شده ولی بیشتر شعارها علیه رژیم جمهوری اسلامی بوده‌اند.

* - نظر شما درباره تحولات کشورهای سوسیالیستی چیست؟
- تحولات اخیر در اروپای شرقی و شوروی را در کلیت خود باید دید مثبت می‌نگریم هر چند هنوز زود است که درباره روند این تحولات و آثار آن در آینده بطور دقیق اظهار نظر کرد و آثار ارزیابی نمود اما واضح است هر گامی که در جهت دموکراسی و احترام به حقوق افراد انسانی و بالاخره صلح و تقام در جهان برداشته شود مایه امیدواری است. ظاهراً تحولات اخیر کشورهای اروپای شرقی همگی در این جهت است.

* - می‌خواستیم نظراتان را درباره گروهها و نیروهای ایرانی و فعالیت آنها را بدانیم و وضعیت نیروهای چپ ایران را چطور می‌بینید؟

- بطور کلی اشکال همدای که در فعالیت گروهها و نیروهای اپوزیسیون ایرانی وجود دارد هدم همکاری و همگامی آنها در امر مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی است متأسفانه نیروهای چپ در سالهای گذشته در پروسه تفرقه و انشعاب بوده‌اند و همین پراکندگی نیروها خود یکی از دلایل بقای رژیم شده است. تحولات اخیر در شوروی و کشورهای اروپای شرقی توانسته است بر برخی از سازمانهای چپ در ایران تأثیر بگذارد. در حال حاضر نیروهای چپ ایران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. نخست آن دسته که موفق به شکستن بت‌ها شده و از گذشته پند گرفته‌اند و سوسیالیزم دموکراتیک را قبول دارند و به حاکمیت مردم و آزادیهای دموکراتیک اعتقاد دارند و دسته دوم که کماکان در گیر دگم‌ها و دیکتاتوری پرولتاریا هستند.

* - درباره مجاهدین خلق و فعالیت‌های آنها چه می‌گوئید؟
- مجاهدین خلق بیشتر فعالیتشان متوجه مسائل تبلیغاتی در خارج از کشور و از طریق رادیو برای داخل کشور است و آنهم برای اتعاع اعضا و هوادارانشان. جز این فعالیت دیگری بچشم نمی‌خورد.

* - حزب دموکرات شخصاً همکاری با مجاهدین را در یک دوره نه چندان طولانی تجربه کرد. با تکیه بر این شناخت فکر می‌کنید با مجموعه احتمالاتی که در ایران و جهان صورت گرفته همکاری‌های آتی با مجاهدین محتمل است؟

- با توجه به شیوه‌های غیردموکراتیک و هژمونی طلبی‌های مجاهدین فعلاً این احتمال وجود ندارد.

* - انشعاب رهبری انقلابی از حزب دمکرات بر چه اساسی صورت گرفت و چه تأثیری بر جنبش خلق کرد گذاشت؟

- دو سال پیش ۱۵ تن از اعضای حزب دمکرات طی بیانیهای هملا پیوندهای وابستگی خود به حزب دموکرات را قطع کردند. این اقدام اگر دو ویژگی خاص را نداشت رویهمرفته مسئله‌ای غیر هادی و ضد حزبی بشمار نمی‌آمد. نخست اینکه بیانیه بنام حزب دموکرات کردستان ایران صادر شده بود در حالیکه کنگره هشتم حزب که چند ماه پیش از آن برگزار شده بود و امضاء کنندگان بیانیه مزبور نیز در آن شرکت داشتند و همه تصمیمات و قرارهای کنگره را پذیرفته بودند، رهبری حزب را از طریق انتخابات آزاد و باری مخفی معین کرده بودند بنابراین معلوم نبود کسی که در یک کنگره انتخاب نشده‌اند با چه حقی و با استناد به چه اصولی خود را نماینده حزب می‌نامند. دوم آنکه محتوای بیانیه که حاکی از مخالفت و دشمنی با حزب دموکرات بود بگونه‌ای بود که دست "رجوی" در نوشتن آن از لایبای سطورش مشهود بود. از آنوقت به بعد به دستور و توصیه مجاهدین، دشمنی خود را با حزب دموکرات کردستان ایران دنبال کرده‌اند و با پیش فروش نام حزب دموکرات حزب محبوب خلق کرد در کردستان ایران به مجاهدین رجوی زمینه جنگ با حزب دموکرات را فراهم نموده‌اند.

* - اما درگیری مسلحانه شما و رهبری انقلابی چطور قابل توضیح است از آتش‌بس یک طرفه صحبت می‌کنند. شما حاضرید این پیشنهاد را بپذیرید و به برادر کشی خاتمه دهید؟

- بعضی وقت‌ها منصرفین شعار می‌دهند که نمی‌خواهند به جنگ علیه حزب دموکرات و بقول خودشان "فرآکسیون" کشیده شوند آنان اگر راست می‌گویند برای این کار راه بسیار ساده‌ای در پیش است و آن اینست که نامی را که بر خود نهاده‌اند عوض کنند چرا که حزب دمکرات یکی بیش نیست و دو تا نخواهد شد. جالب است که رهبری منصرفان تنها خود را "انقلابی" می‌داند و آن تعداد معدودی از کادر و پیشمرگان را نیز که بدنبال آنها افتاده‌اند بدین صفت نمی‌شناسند. بهر حال اگر هنوز ذره‌ای حق تصمیم‌گیری مستقل برایشان باقی مانده باشد، نامی را که بر خود نهاده‌اند عوض خواهند کرد. لیکن برآستی توانائی برداشتن این گام را دارند؟ اگر ندارند مانع اینکار چیست؟

* - می‌خواهید بگوئید که اگر راه پیشنهادی شما (تغییر نام خودشان) را نپذیرند احتمال ادامه درگیری‌های مسلحانه وجود دارد؟
- گفتم که اجتناب منصرفین از تغییر نامی که بر خود نهاده‌اند در واقع بمعنای پافشاری آنها در ادامه وضع فعلی است.

* - اختلاف شما با کومله بر چه اساسی است و درگیری مسلحانه شما با آنها آیا بر اساس این اختلافات قابل توضیح است؟

- این امر ریشه در سیاست خصمانه کومله نسبت به حزب دمکرات کردستان ایران دارد کومله خود را نماینده پرولتاریا و حزب دمکرات را نماینده بورژوازی و تضاد بین این دو را آشتی ناپذیر می‌داند با اینکه هر دوی این ادعاها نادرست است چنین طرز فکری مآلاً به خصومت و دشمنی کومله با حزب دمکرات می‌انجامد کومله همواره سعی می‌کرده تا از طریق زور فشار و تهدید و ارهاب حاکمیت اقلیت ناچیز خود را بر اکثریتی قریب به اتفاق مردم کردستان تحصیل نماید که این امر برای مردم کردستان و رهبر جنبش خلق کرد در کردستان ایران که مدافع دمکراسی و حاکمیت مردم است همخوانی ندارد. در شرایط فعلی که کومله از سوئی سیاست نقی مبارزه مسلحانه در کردستان را در پیش گرفته و از سوی دیگر توان حضور در هر صه مبارزه در کردستان را ندارد بنابراین احتمال درگیری بهمین نسبت کاسته شده.

* - نهایتاً آیا شما می‌پذیرید که جز حزب دموکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی و کومله هم جزئی از جنبش خلق کرد هستند و برای رهائی خلق کرد مبارزه می‌کنند؟

- ما اتفاقاً خوشحال می‌شدیم اگر نیروهای مردمی دیگری هم در کنار حزب دمکرات کردستان ایران در جهت تحقق خواسته‌های مردم کردستان با رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می‌کردند، متأسفانه کومله و منصرفین جز کار شکنی و دشمنی با مردم کردستان و رهبری جنبش مردم کردستان یعنی حزب دمکرات کردستان ایران وظیفه دیگری برای خود قایل نشده‌اند: این اواخر کردستانی بودن کومله از سوی حزب کمونیست ایران که کومله بخشی از آن است کاملاً زیر سؤال رفته.

* - رابطه شما با سایر جریانات کردی در کردستان عراق مثل پارتی دموکرات، طالبانی‌ها و نیز حزب کمونیست عراق چگونه است؟

- یک رابطه هادی.

* - آیا مبارزه مسلحانه به شیوه‌ای که تاکنون در جنبش کردستان معمول بوده همچنان مورد قبول شماست؟

- بلی مبارزه مسلحانه از شیوه‌های اصلی مبارزه مردم کردستان است.

نوسازی و گسترش فرهنگ

- ۱- پایان دادن به بی‌سوادی از راه بسیج همه امکانات کشور.
- ۲- گسترش نهادهای آموزشی در همه سطوح و در مناطق مختلف کشور و تأمین نیازهای جامعه در زمینه دانشگاه، دبیرستان، دبستان، مهدکودک و غیره.
- ۳- بازسازی نظام آموزشی و انطباق آن با سطح رشد تمدن معاصر و نیازهای اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جامعه.
- ۴- فراگیر و رایگان کردن آموزش و لغو هر گونه تبعیض در آموزش بر پایه جنسیت، ملیت، عقیده، مذهب و ثروت.
- ۵- ایجاد و گسترش فرهنگستان همه رشته‌ای، و تبدیل آن به تکیه-گاه بزرگ علم و فن و هنر و ادب کشور.
- ۶- ایجاد فرهنگستان ملی در مناطق ملی.
- ۷- تأمین امکانات برای همه فعالیتهای فرهنگی، اقدام سازمان یافته در حمایت از زحمات رشتنه‌های علمی و فرهنگی.
- ۸- تأمین امکانات ضرور برای انجام فرایض دینی مردم و اداره امور مذهبی توسط روحانیون، و برای فعالیت دینی، علمی و پژوهشی علما و رهبران مذهبی کشور.
- ۹- تأمین امکانات ضرور برای بهسازی وضع حوزه‌های علمیه و ارتباط آنها با مجامع علمی و فرهنگی دیگر کشورها، و برای آشنا شدن طلاب با دستاوردهای علمی، فنی، فرهنگی در جهان.
- ۱۰- گسترش مبادلات و مناسبات فرهنگی با کشورهای جهان، به ویژه با کشورهای پیشرفته و خلقهای هم تبار و هم‌فرهنگ.
- ۱۱- تبدیل زبان انگلیسی به زبان دوم و رایج کشور و اجباری کردن آن در همه دوره‌های آموزشی.

سیاست خارجی ملی و مترقی

سمتگیری ملی و ترقیخواهانه در سیاست خارجی برنامه ما، برنت-هایی متکی است که از دوران امیر کبیر آغاز شده، در جریان انقلاب مشروطیت و جنبش جنگل و پس از آن توسط جنبشهای شخصیتهای ملی، دموکرات و سوسیال دموکرات قوام یافته، با نهفت ملی مصدق اوج تازه-ای گرفته، و پس از آن، توسط نیروهای ملی-ترقیخواه ناوابسته به به بلوکهای جهانی تکامل یافته است.

سیاست خارجی برنامه ما، بر درک وضعیت کنونی کشور و تحولات جدید جهانی، و محاسبه امکانات واقعی و راههای موثر برای تأمین منافع ملی مردم ایران و تأمین نیازهای رشد شتابان اقتصادی-اجتماعی کشور متکی است.

سیاست خارجی برنامه ما بر درک همپیوندی های جهانی، ضرورت صلح، همزیستی مسالمت آمیز و همکاری و همیاری سازنده در مناسبات بین‌المللی و ضرورت دفاع از حقوق بشر و از آزادی و بهروزی همه ملل جهان متکی است.

بر این پایه، سیاست خارجی برنامه ما اصول زیر را بکار میبندد:

- ۱- کاربست سیاست خارجی مستقل، ملی و مترقی، با مضمون دفاع از منافع ملی مردم ایران و حمایت از صلح و دموکراسی و عدالت در جهان.

۲- پرهیز قاطعانه از بلوک بندیهای سیاسی-نظامی و شرکت در جنبش غیر متعهدا، با رعایت اکید اصول عدم تعهد.

۳- گسترش مناسبات دوستانه و همکاری و همیاری سازنده با همه کشورهای جهان، به ویژه بظ این مناسبات با کشورهای پیشرفته صنعتی با هدف بهره‌مندی از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی و تأمین امکانات ضرور برای رشد اقتصادی-اجتماعی کشور.

۴- کاربست مشی مسالمت آمیز، مقتدر و موثر برای خنثی کردن کرایش ابر قدرتهای مداخله‌گر جهت کنترل رشد و اقتدار ایران و تحمیل زورمدارانه منافع و مقاصد خویش به کشور ما و کل منطقه. این مشی مکمل سیاست ما در گسترش همه جانبه مناسبات سازنده و برابر حقوقانسه اقتصادی-سیاسی با دول فوق است.

۵- پیروی از اصول همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات با دیگر کشورها.

۶- دفاع از صلح و خلق سلاح در جهان، و تبدیل ایران به یک عامل موثر صلح در منطقه.

۷- مبارزه در راه لغو دیگر بلوک‌بندیهای نظامی و بسیار خطرآفرین ناتو و ورشو، و در راه لغو دیگر بلوک‌بندیهای نظامی.

۸- مخالفت با مداخلات سیاسی-نظامی هر یک از دولتها در اموریای ملتها.

۹- حمایت از سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی مدافع صلح و حقوق بشر.

۱۰- دفاع از منشور جهانی حقوق بشر، بیانیه پناهندگی مصوب سازمان ملل، تعهدنامه ژنو در باره حقوق پناهندگان و آوارگان و دفاع از منشور سازمان ملل علیه نازیسم و ایدئولوژیهای تمامیت کرا، در مناسبات با سایر کشورها.

۱۱- حل و فصل مشکلات بین ایران و همسایگان و تأمین صلح پایدار میان ایران و عراق.

۱۲- حمایت از یک افغانستان آزاد و دموکراتیک و بدور از سیطره و نفوذ قدرتهای خارجی، گسترش همه جانبه همبستگی با کشور بهسرادر و کمک به تقویت بنیه اقتصادی آن.

۱۳- گسترش مناسبات با خلقهای ایرانی تبار و هم‌فرهنگ.

بخش دوم

برنامه نوین

دراستای سازماندهی جنبش ملی-دمکراتیک

فرج ممبینی (امیر)

ج: گسترش تدریجی و دموکراتیک کنترل و اداره اجتماعی اقتصاد

گسترش تدریجی و دموکراتیک کنترل و اداره اجتماعی اقتصاد، بزرگ-ترین وسیله تأمین عدالت اجتماعی است. این امر دو هدف را پی میگیرد: یک: انطباق فزاینده فعالیتهای اقتصادی بر نیازهای مردم ایران و بهسازی مداوم سطح زندگی آنها، دو: سمت دادن جامعه بسوی سوسیالیسم که مبتنی است بر نفی کامل استثمار و خود محصول عالی‌ترین شکل کنترل و اداره اقتصاد، در تلفیق با سطح عالی‌پیشرفت و کارآیی اقتصاد است.

تجربه نشان داد، برنامه‌هایی که عدالت اجتماعی و سوسیالیسم را، نه در شکل منعطف کنترل و اداره اجتماعی اقتصاد، بلکه در شکل همه دولتی کردن اقتصاد میدیدند، با شکست روپرو شدند. همینگونه، برنامه‌هایی که بر نفی کامل کنترل و ازاده اجتماعی اقتصاد متکی بودند، در تا-مین عدالت اجتماعی شکست خوردند. از دید برنامه ما، پیگیری هدف نهائی عدالت اجتماعی برای پایان دادن به ستم و استثمار، از یکسو نیازمند گسترش مداوم و دموکراتیک کنترل و اداره اجتماعی اقتصاد است، و از سوی دیگر نیازمند بهره‌گیری از همه اشکال ایجادگر فعالیت اقتصادی در بخشهای اجتماعی و خصوصی. از دید برنامه ما، مساله مرکزی سوسیالیسم، کنترل و اداره اجتماعی اقتصاد، در همه اشکال بار آور است. این امر تنها هنگامی به سطح عالی اجتماعی شدن اداره موسسات اقتصادی فرا خواهد روئید، که بخشهای اجتماعی اقتصاد بگونه دموکراتیک و از راه رقابت اقتصادی، و بر پایه سازندگی و سودآوری خود، قلمرو خویش را در سراسر بخشها گسترش دهند و فعالیت بخشهای غیر اجتماعی را در مقایسه با خود کم بار و بی بار و ناسودآور کنند.

بر پایه نگرش فوق، برنامه ما برای گسترش تدریجی و دموکراتیک کنترل و اداره اجتماعی اقتصاد، روشهای زیر را در پیش میگیرد.

۱- گسترش تدریجی و دموکراتیک بخشهای اجتماعی اقتصاد، از راه کاربست همه امکانات اقتصادی برای برتری یافتن تکنولوژی، بارآوری و سودآوری این بخشها.

۲- گسترش سرمایه گذاربهای مشترک دولتی-خصوصی و ترغیب بخش خصوصی به افزایش موسسات اقتصادی مختلط.

۳- کمک به بخش خصوصی در سمتگیری بسوی فعالیتهای اقتصادی سازنده، و در انطباق فعالیتهای آن با نیازهای ملی و مردمی، و افزایش سهم بخش خصوصی در عمران و آبادی کشور و بهسازی سطح زندگی مردم و تأمین پشتوانه مالی برای تأمینات اجتماعی.

۴- گزینش سیاست مالیاتی، بر پایه افزایش سهم مالیات، متناسب با افزایش ثروت.

۵- برنامه ریزی عمومی برای کاهش هزینه‌های اداری و نظامی و بهره-گیری صرقه جویانه و سودآور از منابع طبیعی ملی، و برای منطبق کردن فزاینده کل فعالیتها با نیازهای رشد اقتصادی، عمران و آبادی کشور و بهسازی زندگی مردم.

د: سمتگیری برای پایان دادن به استثمار

پایان دادن به استثمار، هدف بزرگ و دراز مدت برنامه ما در عدالت اجتماعی است. استثمار کارگران و زحمتکشان، شالوده بی‌عدالتی اجتماعی و خشن ترین مظهر ستم بر نیروی کار و زحمت است. تنها هنگامیکه کارگران و زحمتکشان یدی و فکری از قید استثمار آزاد شده و از همه دست-نج خویش، هم بطور مستقیم و هم با واسطه خدمات و تأمینات اجتماعی بهره‌مند شوند، میتوان از تحقق کامل دموکراسی و عدالت اجتماعی سخن گفت. آماج ما برای پایان دادن به استثمار با هدف سوسیالیستی جنبش ما یگانه است و ایندو لازم و ملزوم یکدیگرند. برنامه کنونی جنبش ما

میکوشد تا در راستای آرمان سوسیالیستی و جامعه بدون استثمار، تدریجا و کام به کام از فاصله قطبهای فقر و ثروت بکاهد و با تأمین حقوق نیروی کار و گسترش تأمینات اجتماعی و کاربست مجموع پیش‌بینیهای ایسن برنامه در زمینه رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی، در سمت پایان دادن به استثمار پیش بسرود.

حاصل مساله ملی

کشور ما ایران، کشوری چند خلقی است که خلقهای آن همپیوندی-هائی نژادی، تاریخی و فرهنگی بسیار ژرف و دیرینه ای دارند. این مردمان دودناوش یکدیگر ایران را آباد کردند و از آن ذر برابر هجوم و دستبرد درازی بیگانگان دفاع کردند.

به مناسبت شصتمین سال خودکشی مایاکوفسکی

تایق عشق در پر خورده به هستی متلاشی شد



پتیه از صفحه ۸

شاعر کرد. در این خصوص در خاطرات خود چنین نوشته است: «از زندانیان خود متشکرم، آنها اشعار را به هنگام مرخص کردن من ضبط کردند. و گر نه احتمالاً چاپشان هم میکردم!»

مایاکوفسکی پس از دیدن یک دوره کوتاه در مدرسه عالی هنر مسکو، دوباره آواز به نوشتن کرد و اولین شعر، «برای شما!» را نوشت. او اولین شعر، «برای شما!» را نوشت. او اولین شعر، «برای شما!» را نوشت.

شاعر کرد. در این خصوص در خاطرات خود چنین نوشته است: «از زندانیان خود متشکرم، آنها اشعار را به هنگام مرخص کردن من ضبط کردند. و گر نه احتمالاً چاپشان هم میکردم!»

مایاکوفسکی پس از دیدن یک دوره کوتاه در مدرسه عالی هنر مسکو، دوباره آواز به نوشتن کرد و اولین شعر، «برای شما!» را نوشت. او اولین شعر، «برای شما!» را نوشت. او اولین شعر، «برای شما!» را نوشت.

شاعر کرد. در این خصوص در خاطرات خود چنین نوشته است: «از زندانیان خود متشکرم، آنها اشعار را به هنگام مرخص کردن من ضبط کردند. و گر نه احتمالاً چاپشان هم میکردم!»

مایاکوفسکی پس از دیدن یک دوره کوتاه در مدرسه عالی هنر مسکو، دوباره آواز به نوشتن کرد و اولین شعر، «برای شما!» را نوشت. او اولین شعر، «برای شما!» را نوشت. او اولین شعر، «برای شما!» را نوشت.

شاعر کرد. در این خصوص در خاطرات خود چنین نوشته است: «از زندانیان خود متشکرم، آنها اشعار را به هنگام مرخص کردن من ضبط کردند. و گر نه احتمالاً چاپشان هم میکردم!»

مایاکوفسکی پس از دیدن یک دوره کوتاه در مدرسه عالی هنر مسکو، دوباره آواز به نوشتن کرد و اولین شعر، «برای شما!» را نوشت. او اولین شعر، «برای شما!» را نوشت. او اولین شعر، «برای شما!» را نوشت.

نگاهی به گذشته کیهان

ترجمه از Tageszeitung - بهداد

را ضروری می‌سازد. به گفته پرسول با کمک دوربین نجومی هابل می‌توان قانونمندی نظم فضایی کهکشانها را نیز مورد بررسی و پژوهش قرار داد. کهکشانها یا در ترکیبی زنجیره‌وار نسبت به یکدیگر قرار دارند و یا با هم نمایی، یک انگشت خمیده را به نمایش می‌گذارند. این زنجیرها و یا انگشتان با هم مجموعه‌ای مترکم و یا فرا مترکم پدید می‌آورند که در نوع خود قابل پژوهش و مطالعه‌اند.

چه کسی و با چه هدفی اجازه خواهد داشت که با کمک دوربین نجومی هابل به نظاره «حاشیه» کیهان بپردازد و نوبتها چگونه میان افراد تقسیم می‌شوند؟ اتخاذ تصمیم در زمینه‌های فوق به یک گروه از کارشناسان بین‌المللی واگذار شده است. اجازه نگاه در دوربین بیش از همه منوط به اهمیت و سودمندی پژوهشی است که شخص داوطلب در دست انجام دارد. تا کنون با تقاضای بیشتر افرادی که برای سال اول اجازه نگاه در دوربین را خواستار شده‌اند، موافقت نشده است. نحوه و زمان فعالیت دوربین نجومی هابل با توجه به ۱۵۰ تقاضا از ۳۰ کشور تا کنون سه بار مورد بررسی قرار گرفته است. با اینکه به توجه به آنکه این دوربین احتمالاً ۱۰ تا ۱۵ سال به کار مشغول خواهد بود، تقریباً هر خواستاری اجازه خواهد یافت که از درون آن نگاهی به کیهان بیاندازد.

مه، گرد و خاک و بخار آب و تعداد بیشمار ذرات کوچک دیگر در اطراف زمین انجام چنین کاری، غیرممکن است. تنها در خارج از جو زمین است که هابل قادر خواهد بود تصویری روشن و بی‌لک از جای کیهان ارائه دهد. در حالی که انسان در شرایطی که آسمان کاملاً صاف و روشن است، تنها می‌تواند ستارگان و سیاراتی را که در فاصله چندین میلیون سال نوری واقع شده‌اند، ببیند، دوربین نجومی هابل وی را قادر خواهد ساخت که اجرام نوری و ستارگان واقع شده در فاصله چندین میلیارد سال نوری از زمین را نیز مشاهده کند. یواخیم پرسول از دانشمندان رصدخانه بوخوم در آلمان غربی چشم‌اندازهای جدیدی که دوربین نجومی هابل بر روی هلم کیهان شناسی می‌گشاید را چنین شرح می‌دهد: «ما به عبارتی قادر می‌شویم که به گذشته نخب زمین و کهکشانها را در مراحل اولیه و میانی تکاملشان مورد پژوهش قرار دهیم.» چنین کاری چگونه ممکن است؟ بهترین راه برای بررسی یک ستاره مطالعه و پژوهش درباره تشعشعات نوری آن است. نوریک ستاره که در فاصله ۲۰ میلیون سال نوری از زمین قرار گرفته باشد، زمانی به ما می‌رسد که ۲۰ میلیون سال نوری از تشعشع آن گذشته است. از این رو ما با مطالعه این نور نه با وضعیت کنونی ستاره مخروض بلکه

پرتاب دوربین نجومی هابل به فضا که قرار بود روز سه‌شنبه ۱۰ آوریل به اجرا در آید، به سبب پارهای اشکالات جزئی برای یکی، دو هفته به تعویق افتاد. هابل گرانتترین و به لحاظ تکنیکی پیچیده‌ترین ماهواره‌ای است که تا کنون برای تحقیقات فضایی ساخته شده است. کارشناسان اهمیت این دوربین نجومی پیچیده را با کشف اولین دوربین نجومی توسط گالیله قابل قیاس می‌دانند. هابل قرار است که کیهان‌شناسان را با ابعاد ناشناخته‌ای از کیهان آشنا کرده و آنها را قادر سازد که به گذشته و به «حاشیه» کیهان نگاهی بیافکنند. در انجام این طرح عظیم که با همکاری مشترک کنسرن فضایی اروپا (ESA) و کنسرن فضایی آمریکا (NASA) اجرا می‌شود، شرکتها، موسسات و دانشگاههای بیشمار مشارکت دارند. دوربین نجومی هابل که قرار است در روز پس از پرتاب به فضا از سفینه فضایی آمریکا جدا شده و در فاصله ۵۰۰ کیلومتری از زمین استقرار یابد، ۱/۵ میلیارد دلار هزینه در برداشته و به بزرگی یک اتوبوس می‌باشد. در صورتی که بادیان خورشیدی این ماهواره که دارای ۴۸۰۰۰ سلول خورشیدی است به طور خودکار باز نشود، باید دو تن از فضانوردان از سفینه فضایی خارج شده و این کار را با دست انجام دهند. پس از

کرده و آنجا دو سال چمباتمه زنم فقط برای آنکه این داد و قال را نشنوم»

او ۳۷ ساله بود. آیا میخواست آفریده بیست سال فعالیت هنری خود را به این ترتیب نگاه‌داری کند؟ آیا نمایشگاه اولین قدم و خودکشی دومین قدم در این راه بود؟

اندیشه خودکشی به کرات در آثار او مطرح شده است. اغلب، قهرمان آثار او به دست خود کشته می‌شود. بسیاری از این قهرمانان خود مایاکوفسکی بودند.

مایاکوفسکی موضوعاتی را می‌دید و حس می‌کرد که دیگران هنوز قادر به دیدن آن نبودند. موضوعاتی که امید او را به انقلاب به یاس تبدیل می‌کرد.

زندگی او درست به خاطر این شکست خورد که تضاد میان هنر او و واقعیت اواخر دهه ۲۰ دیگر قادر به ادامه حیات نبود.

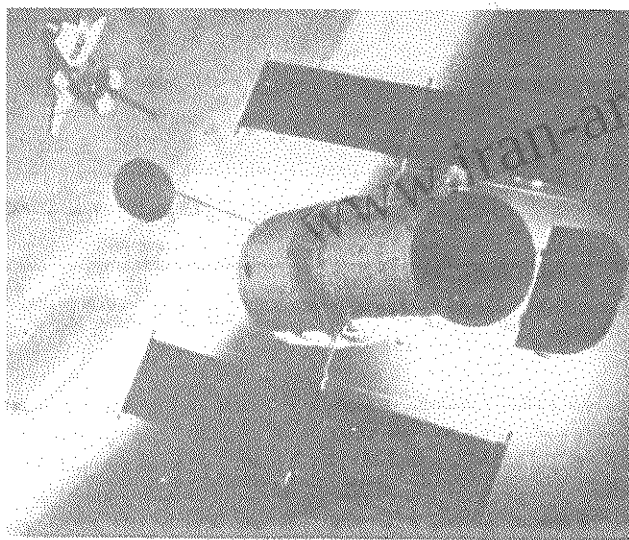
عشق نزد مایاکوفسکی محوله همه‌جانبه‌ایست که زندگی و آفرینش هنری او را برمی‌انگیزد.

عشق جستجوی خوشبختی، تطابق گفتار و کردار، برجستگی فرد در اجتماعیت بدون برجستگی فردیت، انساندوستی و عشق به ممنوع است: «آیا عشق همه چیز را برای من از هستی بیرون می‌کشد؟ بله، اما به نحو کاملاً دیگری. عشق زندگیست، مهم‌ترین چیز است. اشعار و اعمال هر چیز دیگر محصول عشق‌اند. عشق قلب هستی است. اگر عشق از کار بازایستد هر چیز دیگر بی‌جان، زاید و غیر قابل استفاده می‌شود. اما تا زمانی که قلب زنده است، قادر نیست از اظهار خود به هر کس و هر چیز اجتناب کند... اما اگر از "فعالیت باز ایستد، انسان مرده است... عشق با هیچ گونه "باید" و هیچ گونه "اجازه ندارد" تنظیم نمی‌شود و تنها و تنها در رقابت آزاد با مجموعه جهان شکل می‌گیرد»

مایاکوفسکی طالب "یک انقلاب دیگر، سومین انقلاب روح" بود. فقط آنگاه امکان تغییر تفکر، کهنه، رکود زندگی و واقعیت، اسارت انسانها در حیات روزمره و دنباله‌روی، وجود خواهد داشت که "سرزمین آزادی"، که در آن شعارهای انقلاب فرانسه آزادی، برادری، برابری به واقعیت پیوسته باشند. او به این ترتیب از تکامل اجتماعی پیشی جست و در تضاد با آن قرار گرفت. درست همین تضاد بود که انگیزه خودکشی‌اش شد.

در مراسم خاک سپاری مایاکوفسکی دهها هزار نفر در مسکو اجتماع کردند. اینجا نیز پیوند مردمی او آشکار شد. اما دشمنانش تلاش کردند او را از آگاهی عمومی تبعید کنند. در این وضعیت اوسپ بیرک، دوست و نشر آثار او در نامه‌ای سال ۱۹۳۵ به استالین رجوع کرد. استالین در پاسخ گفت: مایاکوفسکی مهمترین شاعر انقلاب است. باین گفته بسیاری از منتقدین مایاکوفسکی خاموش شده و اثر او از فراموشی و انزوا در امان ماند. اما از سوی دیگر او را تقدیس کردند، تحولی که نه‌خواسته‌شهر بود و نه برای اخذ نتیجه سازنده از آثار او منید.

چنین بیان کرد: «با توجه به روحیه جنگجویانه من، انتقد سگ به شکار من فرستادند و مرا به گناهان کرده و ناکرده متهم کردند که گاهی تحریک می‌شوم به جایی سفر



وضعیت آن در ۲۰ میلیون سال پیش آشنا می‌شویم. در این راستا هابل دستگاه شگرفی است که انسان را در نخب زدن به گذشته یاری می‌دهد و "نگاهی" به سالهای پیدایش کیهان را میسر می‌سازد.

هلم کیهان‌شناسی امیدوار است که از قبل چنین "نگاهی" به یافته‌ها و دانش بیشتری درباره ایجاد و تکامل کیهان دست یابد. بنا به تئوری Urknall در حال حاضر کهکشانها در جهت‌های مختلف از زمین دور می‌شوند. اما به گفته یواخیم پرسول در این اواخر کهکشانهایی کشف شده‌اند که بسیار تکامل یافته‌اند و با تئوری Urknall همخوانی ندارند. با توجه به زمان درازی که نوریک کهکشان تار سیدن به زمین سپری می‌کند، تصویری که از آن کهکشان بدست ما می‌رسد، بسیار جواتر از وضعیت فعلی آن است. از این رو چنین کهکشانهایی چه بسا که

آخرین ناکامی فاجعه‌بار در پرتاب ماهواره این بار با آزمایشها و کنترل‌های فراوانی که انجام شده انتظار می‌رود که نارسایی و خللی در کار پیش‌نیاید و امید هلم کیهان شناسی بر باد نرود. پس از غرماه کار مقدماتی در فضا از پایان سال جاری کیهان شناسی می‌توانند با کمک هابل به نظاره کیهان بپردازند و از این رهگذر دانش یافته‌های خود را تکمیل تر و پر بار کنند. دوربین نجومی هابل ساکنان زمین را با سیارات و کهکشانهایی آشنا خواهد کرد که تا کنون قابل رویت نبوده‌اند. انجام چنین کاری با کمک یک هدسی انجام می‌گیرد که برای اولین بار ساخته شده است. با دوربین هابل می‌توان سکه‌ای به قطر ۲۵ میلی‌متر را از فاصله ۳۰۰ کیلومتری تشخیص داد و یا نور برخاسته از یک کرم شبتاب را از فاصله ۶۰۰۰ کیلومتری مشاهده کرد. گرچه هابل از بهترین دوربین‌های نجومی که تا کنون ساخته شده کوچکتر است، لیکن قادر است که ۴۰ تا ۵۰ برابر بزرگتر از سایر دوربین‌ها ببیند. با این دوربین البته از زمین نمی‌توان به رصد کیهان پرداخت، زیرا که با وجود حفره‌های هوایی،

تصاویر دوربین هابل که بوسیله ماهواره‌های خبری به زمین ارسال می‌شوند، بر پرده تلویزیونهای مرکز مطالعاتی مرلیند ظاهر شده و ضبط خواهند شد. نطاطی که در کیهان برای پژوهش و مطالعه انتخاب می‌شوند، نباید بگونه‌ای باشند که برای رویت آنها جابجایی بسیار بزرگ دهانه دوربین لازم آید. دهانه این دوربین بویژه نباید هیچگاه رو به خورشید قرار گیرد، چرا که در چنین حالتی دستگاههای اندازه‌گیری فوق حساس آن برای همیشه از کار خواهند افتاد.

این روزها بر روی سیستمهای پیشرفته‌ای از تکنیکهای اندازه‌گیری و محاسبات کار می‌شود که قرار است در آتیه به دوربین هابل اضافه شوند. بر اساس برنامه اولیه پرواز، هابل می‌بایست اینک هفتمین سال گردش خرد به دور زمین را شروع کند. لیکن انفجار سفینه فضایی چالنجر این امر را به تعویق انداخت. حمل دوربین هابل به فضا تنها از سفینه فضایی آمریکا ساخته است، زیرا که هیچکدام از سفینه‌های دیگر قادر نیست جسمی به سنگینی دوربین هابل را به فضا ببرد. درازی هابل ۳۳ متر است و از قطری ۴/۴ متر و وزنی برابر با ۱۱ تن برخوردار است. به گفته پرسول "همین عظمت دوربین است که آن را به کارهای عظیم قادر می‌سازد. هابل اجسامی را به ما می‌نمایاند که از وجودشان بی‌خبر بودیم و یا اکنون که آنها را می‌بینیم (به دلیل تاخیری معادل چندین میلیارد سال نوری در دریافت نور آنها) دیگر وجود خارجی ندارند»

* - سال نوری مسافتی است که نور برای پیمودن آن به یک سال وقت نیاز دارد به بیان همدی یک سال نوری (تقریباً برابر است با ده میلیارد یعنی ده میلیون کیلومتر)



نلسون ماندلا رهبر مبارزین ضد آپارتاید آفریقای جنوبی به اتفاق همسرش و بیٹی ماندلا در یک کنسرت ضد آپارتاید در استادیوم ورزشی ویملی انگلستان. رهبران کنگره ملی آفریقایک تعرض تبلیغی دیپلماتیک را برای عقب راندن نژادپرستان حاکم بر آفریقای جنوبی آغاز کرده‌اند.

یوری آفاناسیف حزب کمونیست شوروی را ترک کرد

این توم در جامعه است که حزب واقعا توانایی رفهرم را دارد. آفاناسیف افزود حزب کمونیست شوروی مدتها پیش دچار انشقاق شده است و این جدایی اینک تنها نیازمند یک شکل رسمی است. چندی پیش کمیته مرکزی حزب در نامه سرگشاده‌ای از مخالفان درون حزب خواست یا انضباط حزبی را بپذیرند یا حزب را ترک کنند.

یوری آفاناسیف تاریخدان و عضو رهبری گروه «پلاتفرم دموکراتیک» از عضویت در حزب کمونیست شوروی استعفا داد. وی که به همراه باریس یلتسین از مشهورترین مخالفان رهبری کنونی شوروی محسوب می‌شود، در توجیه خروج خود از حزب، از «وضعیت ناامید کننده» حزب کمونیست سخن گفت. آفاناسیف اظهار داشت: «ادامه ماندن در حزب کمونیست به معنای پراکندن

نیکاراگوئه؛ توافق برای آتش‌بس

شروع کنند و تا دهم ژوئن به پایان برسانند. همچنین اعلام شد که طبق توافق دولت ساندینیستی و کنترا، افراد مسلح ضد انقلاب در پنج منطقه کشور تجمع خواهند کرد و نیروهای دولتی فاصله‌ای برابر ۲۰ کیلومتر را از این مناطق حفظ خواهند نمود. همچنین هواپیماهای جنگی نیکاراگوئه پروازی بر فراز این مناطق انجام نخواهند داد.

دانیل اورتگا رئیس‌جمهور نیکاراگوئه اعلام کرد پست خود را طبق قرار قبلی در ۲۵ آوریل تسلیم چامورو خواهند نمود.

دولت ساندینیستی و شورشیان دست راستی نیکاراگوئه، پس از ۹ سال جنگ داخلی، در روز پنجشنبه گذشته در مورد «آتش‌بس قطعی و نهایی» به توافق رسیدند. طبق این توافق، آتش‌بس بلافاصله برقرار شد. توافق آتش‌بس در ماناگوا به میانجی‌گری کاردینال ای. براوو توسط اومبرتو اورتگا وزیر دفاع نیکاراگوئه و رهبران کنترا به امضا رسید. در یک توافق جداگانه کنترا با نمایندگان ویولتا چامورو رئیس‌جمهور آینده نیکاراگوئه، شورشیان پذیرفتند که از هنگام آغاز دوره ریاست جمهوری چامورو در ۲۵ آوریل خلع سلاح خود را

به مناسبت شصتمین سال خودکشی مایاکو فسکی

«قایق عشق» در برخورد به هستی متلاشی شد

برخورد به هستی متلاشی شد. مایاکو فسکی در ۱۹ ژوئیه ۱۸۹۳ بعنوان فرزند یک جنگلیان در گرجستان متولد شد. او از سال ۱۹۰۷ الی ۱۹۱۰ عضو کمیته بلشویکی مسکو بود، به هنگام کشف یک چاپخانه مخفی بازداشت شد و به زندان رفت. وی که در همان نوجوانی با ادبیات آشنا شده بود در زندان آغاز به سرودن برخی بقیه در صحنه ۷

شصت سال قبل، در ۱۴ آوریل سال ۱۹۳۰ شاعر شوروی، ولادیمیر مایاکو فسکی با شلیک یک گلوله به زندگی خود پایان داد. او در واپسین اثر خود بعنوان وداع چنین نوشت: «کسی را مسئول قتل‌داد نکند و لطفاً از وراچی درباره‌اش خوداری کنید. متوفی از وراچی متنفر بود. چنان که می‌گویند: موضوع اکنون حل شده است، قایق عشق در

جنبش دموکراسی نپال صورت گرفت. بدنبال این مذاکرات، دبیر کل حزب کنگره نپال گفت:

«انتظارات مردم بسیار زیاد است و برآورده کردن آن دشوار، اما ما خواهیم کوشید آن را برآورده سازیم.»

وی افزود «نیروهای ارتجاعی که ظرف سی سال گذشته بر این کشور حکومت کرده‌اند خواهند کوشید تا دولت موقت را بی‌اعتبار کنند.» دبیر کل حزب کنگره تاکید کرد دولت جدید، مشروهِیت خود را از «انقلاب» گرفته است.

اولین پیروزی جنبش دموکراسی در نپال

نظام سلطنت مشروطه با دموکراسی پارلمانی شده است. قرار است دولت جدید نپال تا هنگام انتخابات آزاد بر سر کار بماند. باتارائی رئیس‌دولت جدید گفته است این انتخابات پیش از ماه آوریل ۱۹۹۱ برگزار خواهد شد.

رهبری جنبش دموکراسی در نپال با حزب کنگره نپال که یک حزب میانه‌رو است، و نیز جبهه متحد چپ بود. این جبهه، ائتلافی از حزب کمونیست و چند گروه دیگر است.

در سال ۱۹۶۱، ماهندرا پدر پادشاه فعلی، فعالیت احزاب سیاسی را ممنوع کرد. این اقدام، بدنبال دو سال حکومت حزب کنگره صورت گرفت. در آن زمان، پادشاه نپال دولت حزب کنگره را به اتهام فساد و ندانم‌کاری برکنار کرد. از آن پس، اداره کشور توسط یک نظام بدون احزاب موسوم به پانچایات یا شورا انجام می‌گرفت. پادشاه، رئیس‌کشور بود و علاوه بر انتصاب مستقیم یک پنجم از ۱۴۰ نماینده مجلس، تصویب کاندیداتوری مابقی اعضای شورا را نیز بر عهده داشت.

انتخاب اعضای دولت جدید بدنبال مذاکرات پنج ساعته رهبران اپوزیسیون در خانه گانش مان سینگ، چهره برجسته ۷۵ ساله

دارد و ۱۴ سال از عمر خود را به هلت فعالیت علیه استبداد در زندان گذرانده است. وی پس از معرفی‌اش به پیشنهادی کابینه‌اش گفت انتظار ندارد هیچ یک از نامزدهای وزارت از سوی پادشاه رد شود. باتارائی اظهار داشت: «مسئله بر سر موافقت او نیست، بر سر خواست من است.» لیست کابینه باتارائی شامل سه عضو حزب کنگره، سه نماینده جبهه متحد چپ و سه شخصیت مستقل است. لوکندر ابهار چاند نخست‌وزیر پیشین نپال در هفته گذشته پس از تظاهرات بزرگ مردم در برابر مقر نخست‌وزیری، از کار برکنار شد. اپوزیسیون نپال خواهان محدود شدن نقش پادشاه ۴۴ ساله این کشور به یک نقش سمبلیک در

بدنبال چندین روز تظاهرات گسترده مردم نپال در کاتماندو پایتخت این کشور مرتفع هیمالایا بیرندرا پادشاه مستبد نپال تاجار شد کریشنا پراساد باتارائی، رهبر حزب کنگره نپال را که یک حزب ممنوعه بود، به نخست‌وزیری بگمارد. از پس سی سال استبداد، چهارشنبه گذشته باتارائی فهرست مشق فضا پیشنه‌های کابینه خود را به پادشاه معرفی کرد. نخست‌وزیر آینده نپال اعلام کرد در دولت جدید، خود عهده‌دار پست وزیر خارجه و وزیر دفاع خواهد بود. پیش از این، در هشتم آوریل، پادشاه نپال با یک عقب‌نشینی در برابر مردم ممنوعیت سی‌ساله احزاب سیاسی را در این کشور لغو کرده بود. نخست‌وزیر جدید نپال ۶۰ سال

قطع جریان نفت شوروی به لیتوانی

در حالیکه جریان نفت در لوله‌ای که به تنها پالایشگاه لیتوانی منتهی می‌شود قطع شده است، سه لوله از چهار لوله گاز نیز مسدود شده‌اند. در همین حال نیروگاه اتمی شهر ایگنالینای لیتوانی نیز به هلت تعمیرات از کار افتاده است و پیش‌بینی می‌شود برق در جمهوری لیتوانی ظرف روزهای آتی قطع شود.

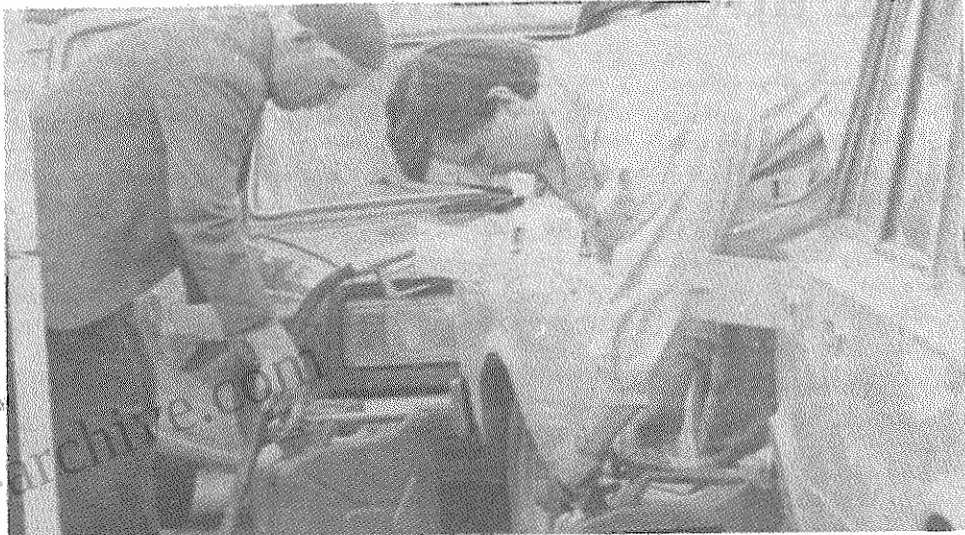
ویتاوتاس لاندس برگیس رئیس پارلمان لیتوانی اقدام شوروی را «جنگ اقتصادی علیه یک دولت دوست خواند» و آن را به منزله پذیرفتن استقلال لیتوانی نیز دانست.

جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا هفته گذشته تهدید کرد اقدامات شوروی علیه لیتوانی می‌تواند برخی قراردادهای اقتصادی میان آمریکا و شوروی را به خطر بیافکند. جرج بوش رئیس‌جمهور ایالات متحده نیز گفت در صورت عملی شدن تهدیدهای شوروی علیه لیتوانی، واشنگتن دست به

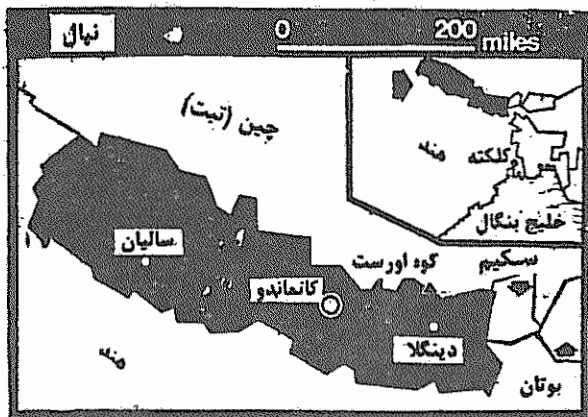
بدنبال مقاومت جمهوری لیتوانی در برابر اتمام محبت رهبری شوروی، معاون وزیر صنایع گاز و نفت شوروی اعلام کرد از شامگاه چهارشنبه، جریان نفت به لیتوانی قطع شده و تمویل گاز به این جمهوری به میزان کمی کاهش یافته است.

نخست‌وزیر جمهوری لیتوانی، خانم کاریمیرا پروتسکین، در تلاش برای تأمین سوخت مورد نیاز لیتوانی، به منظور مذاکره با دولت نروژ وارد اسلو شد.

اولتیماتوم مشترک گارباچف و ریشکف رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر شوروی در روز جمعه ۱۳ آوریل حاکی از این بود که اگر لیتوانی ظرف ۴۸ ساعت دو قانون مبنی بر تحریم اهرام مشمولان خدمت وظیفه به ارتش شوروی و صدور شناسنامه‌های جدید برای ساکنان این جمهوری را لغو نکند، صدور مواد اساسی به لیتوانی قطع خواهد شد.



به دنبال قطع جریان نفت به لیتوانی، مواد سوختی در این جمهوری جیره‌بندی شد



AKSARIYAT
NO. 301

MONDAY, 23. Apr. 1990

حساب بانکی
AUSTRIA WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

یا جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید